

حیات شیخ مفید
۶

آثار شیخ مفید

سید محمد جواد شبیری

شیخ مفید با بر جا گذاشتن آثار فراوان و ارزشمند در رشته‌های گوناگون معارف اسلامی، صفحات گرانبهایی از تاریخ دانش را به نام خویش آراست. از آثار بی شمار وی تنها عده معدودی از آنها در گذر زمان سالم مانده و به دست ما رسیده است. بحث و بررسی و تحلیل کامل آثار مفید نیاز به انتشار تمامی آثار باقیمانده وی داشته و در گرو فرصتی دیگر است. ما در این بخش تنها به جنبه‌هایی از آثار مفید نگاهی گذرا افکنده، از فهرست آثار وی سخن گفته، سپس در بارهٔ پاره‌ای از آثار مهم به تفصیل به بحث می‌نشینیم:

* أ ـ فهرست آثار:

نام تألیفات شیخ مفید در مصادر بسیاری از منابع متقدّم و متأخّر آمده است. قدیمترین و معتبرترین این مصادر فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی است که به دست دو تن از رجالیان نامور از شاگردان مبرّز مفید فراهم آمده و بالطبع از اعتبار و اهمیت بسیاری برخوردار است.[1] شیخ طوسی در فهرست می‌نویسد که مفید نزدیك به دویست تصنیف بزرگ و کوچك دارد و فهرست کتبش معروف است. وی خود نام جمله‌ای از این کتابها را ذکر کرده، تصریح می‌کند که تمامی آنها را در نزدش درس آموخته است، ولی فهرست نسبتاً کاملی از آثار مفید را در رجال نجاشی می‌بینیم.

رجال نجاشی و فهرست آثار مفید

ابوالعباس نجاشی ۱۷۴ کتاب از آثار شیخ مفید را نام برده و بدین ترتیب مهمترین منبع برای شناخت این آثار به شمار می‌رود، این فهرست احتمالاً مأخوذ از همان فهرست کتب مفید است که شیخ طوسی آن را به معروفیت وصف کرده است، این فهرست از اشتباهات ناچیزی مانند تکرار مناسك الحجّ خالی نیست کتاب «النقض علی الجاحظ فضیلة المعتزلة» که در اواخر لیست نجاشی ذکر شده نیز می‌بایست همان کتاب «نقض فضیلة المعتزلة» ذکر شده در اوائل ترجمه مفید باشد، در نام «رسالة الجنیدی الی اهل مصر» نیز ظاهراً کلمهٔ «نقض» افتاده[2] و احتمالاً این رساله با «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» متّحد است. البته در نگاه نخستین ممکن است کتاب «جمل» را همان «النصرة لسیّد العترة» دانست که شیخ طوسی از آن با نام «النصرة لسیّد العترة فی احکام البغاة علیه بالبصرة» یاد کرده

....

۱ ـ فهرست شیخ طوسی، مکتبه مرتضویه، نجف، ۱۳۵۶، رقم۶۹۶؛ رجال نجاشی، انتشارات اسلامی، قم ۱۴۰۷، رقم ۱۰۶۷.

۲ ـ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، مارتین مکدر موت، مؤسسه مطالعات اسلامی وابسته به دانشگاه مك گیل، با همکاری دانشگاه تهران، ۱۳۶۳، ص۴۷.

ولی با توجه به اینکه شیخ طوسی به جز این کتاب از کتاب دیگری با نام «احکام اهل الجمل» نام می‌برد کتاب «الجمل» ظاهراً غیر از کتاب «النصرة لسیّد العترة» باشد و با کتاب اخیر متّحد است، شیخ طوسی تصریح می‌کند که این کتابها را در نزد شیخ مفید درس خوانده و این امر احتمال اشتباهش را بسیار ضعیف می‌گرداند.

مقایسه آثار مفید در رجال نجاشی و فهرست شیخ

* ۱ ـ در فهرست کتب مفید در رجال نجاشی با همه گستردگیش، نام برخی از کتابهای مفید که در فهرست شیخ طوسی ذکر شده، دیده نمی‌شود. این کتابها عبارتند از: رسالة فی الفقه الی ولده (که ناتمام مانده)، کتاب المنیر فی الإمامة، المسائل الجرجانیة، المسائل المازندرانیة.

* ۲ ـ در نامهای ذکر شده در فهرست طوسی کتاب «احکام متعه» وجود دارد که ممکن است یکی از چند کتابی باشد که نجاشی در موضوع متعه به مفید نسبت می‌دهد مانند: کتاب الموجز فی المتعه، کتاب مختصر المتعة.

* ۳ ـ کتاب «الأرکان فی الفقه» نیز احتمالاً غیر از کتابی است که نجاشی با عنوان «الأرکان فی دعائم الدین» به مفید نسبت می‌دهد؛ زیرا از پاره‌ای گزارشها بر می‌آید که کتاب «الأرکان فی دعائم الدین» کتابی است کلامی نه فقهی. مفید در کتاب تصحیح الاعتقاد در بحث از حرمت جدال و کلام در اصول عقاید اشاره می‌کند که روایات بسیاری در امر به بحث و تحقیق در توحید خداوند و نفی تشبیه وارد شده که جمله‌ای از آنها را در کتاب الأرکان فی دعائم الدین آورده است.[۳]

* ۴ ـ در میان آثاری که طوسی به مفید نسبت می‌دهد نام «المسائل المنثوره» دیده می‌شود که در توضیح آن گفته شده که حدود یکصد مسئله است. احتمال می‌رود که این نام کتاب خاصی نباشد بلکه نام مجموعه‌ای از کتابهای مفید است که با عنوان مسئله یا مسائل نگاشته شده است ولی تعداد آثاری که با این عنوان در رجال نجاشی آمده به چهل کتاب نمی‌رسد و می‌بایست نام بسیاری از آثار شیخ

....

۳ ـ تصحیح الإعتقاد، شیخ مفید، به اهتمام واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱، (همراه اوائل المقالات) ص۲۸.

مفید در رجال نجاشی نیامده باشد مگر اینکه کتابهایی را که در آن چند مسئله ذکر شده چند بار به حساب آوریم که شاید در این صورت تعداد مسائل از صد مسئله هم تجاوز کند.

کتابهای مفید در معالم العلماء

۱ـ پس از این دو، کتاب معالم العلماء ابن شهرآشوب قدیمی‌ترین مصدر موجود در شناخت آثار مفید می‌باشد.[۴] وی پس از ذکر کتابهای مفید از فهرست شیخ با کمی تفاوت، نامهای تازه‌ای را بدانها می‌افزاید که برخی از آنها نام دیگری است از تألیفات ذکر شده در فهرست شیخ یا رجال نجاشی، مثلاً: «الشیخ الضالّ فیه جوابات عشر مسائل» و «کتاب فضائح ابی حنیفه» این اوصاف، اوصاف یك کتاب از کتابهای مفید با نام «المسائل الصاغانیه» است که به چاپ هم رسیده است،[۵] شیخ مفید در این کتاب به ده اعتراض شیخی از حنفیان پاسخ داده سپس خود بر ابوحنیفه می‌تازد.

۲ـ در نام کتاب «الرّد علی ثعلب فی آیات القرآن» نیز ممکن است کلمه «ثعلب» تصحیف «قطرب» باشد و این کتاب همان کتاب «البیان عن غلط قطرب فی القرآن» باشد که نجاشی ذکر کرده است.

۳ـ دو کتاب «ردّ العدد» و «الردّ علی ابن بابویه» هم احتمالاً یکی است که گاه با نام «الردّ علی الصدوق فی قوله اِنّ شهر رمضان لا ینقص» خوانده می‌شود[۶]، در توضیح این احتمال باید دانست که یکی از مسائل بسیار بحث انگیز و اختلافی بویژه در قرن چهارم و پنجم هجری این مسئله بوده که آیا مناط ثبوت ماه رمضان دیدن هلال است و ماه رمضان مانند سایر ماهها گاه ناقص و گاه کامل می‌باشد و

....

۴ـ معالم العلماء، ابن شهرآشوب، الف ـ مطبعه فردین، تهران، ۱۳۵۳ق، ص۱۰۰، ب ـ مطبعه حیدریه نجف، ۱۳۸۰، ص۱۱۲.

۵ـ المسائل الصاغانیة (چاپ شده در ضمن مجموعه رسائلی از مفید،دار الکتاب، قم، از چاپ مطبعه حیدریه، نجف).

۶ـ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید، ص۴۴؛ ذریعه، آقا بزرگ تهرانی، دار اللاضواء، بیروت، ۱۴۰۳، ج۱۰، ص۲۰۴.

یا اینکه ماه رمضان همواره کامل و سی روز، می‌باشد در مقابل ماه شعبان که همیشه ناقص و بیست و نه روز است. گروه نخست «اصحاب الرؤية» خوانده می‌شده و گروه دوم «اصحاب العدد». شیخ مفید در اوائل امر مانند شیخ صدوق در فقیه[7] از اصحاب العدد بوده ولی سرانجام نظر اصحاب الرؤیه را درست دانسته است. وی به سود هر دو دسته کتاب نوشته که مرحوم سید بن طاوس از آنها یاد کرده است.[8]

به هر حال معالم العلماء ابن شهرآشوب قطعاً از نظر اعتبار به پایه فهرست نجاشی و شیخ طوسی نمی‌رسد بویژه در مورد شیخ مفید که استاد نجاشی و طوسی است. پاره‌ای از اشتباهات روشن ابن شهرآشوب در این کتاب و در همین ترجمه،[9] ما را در پذیرفتن کتابهای جدیدی که وی معرفی نموده و نسخه‌ای از آنها در دست نیست به تردید می‌اندازد، بویژه در بارهٔ کتابهایی چون «اختیار الشعراء» که در موضوعات کاملاً بیگانه با سایر آثار مفید می‌باشد می‌بایست طریق احتیاط را پیمود.



تألیفات مفید در مصادر متأخّر

برخی از مصادر متأخّر به تکمیل فهارس به دست آمده از سه اثر گذشته پرداخته‌اند. مرحوم علّامه شیخ فضل‌الله شیخ الاسلام زنجانی در مقدمهٔ نفیس خود بر اوائل المقالات پس از ارائه موضوعات گوناگونی که مفید بدانها پرداخته نام چهارده کتاب را ذکر کرده که در مصادر متقدّم نیامده است[10] که البته در میان آنها نام «اختصار کتاب الاختصاص» نیز دیده می‌شود که از مفید نیست[11] و نیز کتاب

....

۷ ـ کتاب من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، دار الکتب الاسلامیه، نجف، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۱۰، وی در این صفحه اخبار مخالف عدد را بر تقیه حمل می‌کند، ولی خود بیشتر روایات رؤیت را ذکر نموده است (ص۷۶) که با هم سازگار نیست.

۸ ـ اقبال، سید بن طاوس، اول اعمال شهر رمضان، ص۵.

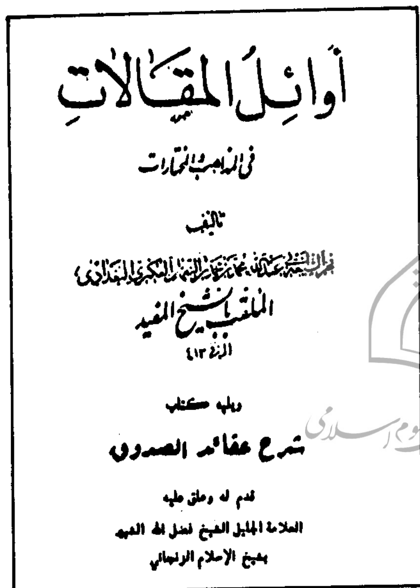
۹ ـ از جمله در مورد نام استاد مفید که ابو جعفر بن قولویه ضبط شده و صحیح آن ابوالقاسم جعفر بن قولویه و نیز توصیف مفید به قمی بنابر چاپ تهران.

۱۰ ـ مقدمه اوائل المقالات، به اهتمام واعظ چرندابی، تبریز، ۱۳۷۱، ص«مد» ـ «مح».

۱۱ ـ بنگرید به مقاله شیخ مفید و کتاب اختصاص، نور علم، شماره ۴۰ و ۴۲.

«الافصاح» را از آن رو که در نسخهٔ چاپ سنگی نجاشی نیامده بود در این جا ذکر نموده‌ند.[۱۲]

در این میان نام کتابی به صورت «مسألة مفرده فی معنی الإسلام الخ» ذکر نموده و گفته‌اند که در اول کتاب اوائل المقالات بدان اشاره شده است، ولی با مراجعه به اوائل المقالات بدرستی بر نمی‌آید که موضوع این رساله چیست، به احتمال قویتر موضوع این رساله تعریف شیعه و بیان معنای تشیع است،[۱۳] ولی به هر حال این رساله ظاهراً در مصادر پیشین مذکور نیست.


أوائل المقالات

في المذاهب والمختارات

تأليف

أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان العكبري البغدادي

الملقب بالشيخ المفيد

ويليه كتاب

شرح عقائد الصدوق

قدم له وعلق عليه

العلامة الجليل الشيخ فضل الله الشيخ

بشيخ الإسلام الزنجاني

فهرست نسبتاً کاملی از آثار شیخ مفید در مقدمه تهذیب الأحکام و فهرست کاملتری از آن در مقدمه اندیشه‌های کلامی شیخ مفید ارائه شده است، فهرست نخست مشتمل بر ۱۹۴ عنوان بوده و فهرست دوم بیش از ۲۰۰ عنوان را در بر می‌گیرد.

ما در اینجا از ذکر تفصیلی آثار مفید خود داری نموده تنها با ذکر نکاتی چند به تصحیح فهرست ذکر شده در مقدمه اندیشه‌های کلامی شیخ مفید می‌پردازیم، علاقمندان می‌توانندخود به آثار بالا و مشابه آن مراجعه و تمام آثارمفید را در آنها ببینند.[۱۴]

....

۱۲ ـ ولی در چاپ مصحح رجال نجاشی نام این کتاب وجود دارد.

۱۳ ـ شیخ مفید در تعریف تشیع و اعتزال و بیان فرق آن دو اشاره‌ای به تعریف اسلام نیز کرده است و سپس می‌گوید: «و قد افردنا له مسئلة استقصینا فیها الکلام» ظاهر سیاق عبارت می‌رساند که مرجع ضمیر «له» اصل مطلب یعنی بحث تعریف تشیع باشد نه بحث ضمنی تعریف اسلام. اوائل المقالات، ص۳ ـ ۴.

۱۴ ـ فهرست برخی از این آثار را که در آن کتب مفید یا برخی از آنها فهرست شده در نور علم، شماره ۳۴، ص۱۱۳، حاشیه بنگرید.

۱ ـ هستهٔ اولیهٔ این فهرست از رجال نجاشی گرفته شده است و سپس عناوین دیگری از فهرست شیخ طوسی و معالم العلماء و پاره‌ای مخطوطات که مؤلف در کتابخانه‌های نجف و تهران و قم دیده بر آن اضافه شده است با توجه به مغلوط بودن چاپی از رجال نجاشی که در آن زمان در اختیار بوده و مورد استفاده مؤلف قرار گرفته پاره‌ای اشکالات در این فهرست نمودار شده است، مثلاً عنوان افصاح از چاپ فوق افتاده در نتیجه این عنوان به اتکاء مصادر دیگر در عداد مصادری که نجاشی ذکر نکرده آمده است، مؤلف خود به درستی در مورد عنوان «۱۷ ـ بغض المـروانیة» احتمال داده که تحریف «نقض المروانیة» می‌باشد. کلمات البرقعی (رقم۴۸) الفریقین (رقم۵۰) النصر بن بشیر (رقم۵۵) و الشعبی (رقم۶۶) النسفی (رقم۶۹) الکشف (رقم۹۷) در چاپ مصحح رجال نجاشی به ترتیب به صورت: الترقضی، الفارقیین، النضر بن بشیر، الشعیبی، العتیقی، النکت درج شده است.

۲ ـ پاره‌ای از کتابهای ذکر شده در این فهرست نیز قطعاً از مفید نیست که عبارتند از کتاب اختصاص و رسالهٔ عیسی بن راب بروایة المفید (که جزئی از اختصاص است.)[۱۵]

۳ ـ المبین فی الامامة نیز با المنیر فی الامامة یکی است که اولی در معالم العلماء و دومی در فهرست طوسی آمده است، با بررسی این دو کتاب و مشاهده ترتیب ذکر کتابهای مفید در آنها این موضوع بروشنی معلوم می‌گردد.

۴ ـ برخی از توضیحاتی که در اطراف کتابها داده شده، نادرست است مثلاً در رقم ۱۱۷ ـ «کتاب مسألة فی اقصی الصحابة» شاید به جای «اقصی» بتوان «اقضی» خواند؛ زیرا ظاهراً در باره حجّیت راوی برای روایت خبر بحث می‌کند. ولی ظاهراً این کتاب در بارهٔ آگاه‌ترین صحابه به قوانین قضاء و آیین داوری

....

۱۵ ـ اختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۷۹، ص۱۴۴ ـ ۱۶۰.

می‌باشد و در اثبات اینکه امیرالمؤمنین علی(ع) به این وصف متّصف است نه دیگران.[۱۶]

۵ـ در رقم ۶۳ الرّد علی الجاحظ العثمانیة و ۱۶۴ ـ النقض علی الجاحظ فضیلة المعتزلة، کلمهٔ العثمانیة و فضیلة المعتزلة مفعول دو مصدر «الرّد» و «النقض» بوده بنابراین منصوب است، در نام این کتابها نیازی به افزودن کلمهٔ «فی» نیست و ذکر کلمه «کذا» که نشانهٔ اشکال در نام کتاب می‌باشد وجهی ندارد.

۶ـ در مورد کتاب اصول الفقه نیز باید دانست که کراجکی تنها گزیده‌ای از این کتاب را در کنز الفوائد آورده نه تمام آن را.

در خاتمه اشاره به این مطلب مناسب است که در فهرست مذکور در مقدمه تهذیب نام ۱۹۴ تألیف دیده می‌شود. برجسته‌ترین عنوان فهرست مذکور که در اندیشه‌های کلامی شیخ مفید دیده نمی‌شود کتاب رجال است که نمی‌بایست به عنوان تألیف مستقلی تلقی گردد.

در مقدمهٔ مرحوم شیخ الاسلام زنجانی بر اوائل المقالات به نامهای جدیدی از آثار مفید بر می‌خوریم که باید به فهرست مذکور در مقدمهٔ اندیشه‌های کلامی شیخ مفید افزوده گردد که عبارتند از: المسائل الّتی سألها عنه محمد بن محمد الرملی الحائری، مسألة مفرده فی معنی الإسلام (یا التشیع چنانچه گذشت)، کتاب فی مسألة الصلوة التی نسبت الی ابی بکر فی مرض النبی(ص)، مولد النبی و الاوصیاء.[۱۷]

شیخ جعفر بن محمد دوریستی نیز از مفید مطلبی نقل می‌کند که ممکن است کسی از آن چنین بفهمد که وی در علم تعبیر خواب کتابهایی تألیف کرده است، عبارت وی چنین است: إنّی قد بقیت فی هذا العلم مدة و لی فیه کتب جمّة.[۱۸]

....

۱۶ ـ در برخی از روایات، گفتار پیامبر در شأن امیرمؤمنان آمده که «اقضاکم علي» این روایت موضوع کلام در این کتاب می‌باشد، در امالی شیخ طوسی، ج۱، ص۲۵۶ از عمر نقل شده که: عليٌ اقضانا.

۱۷ ـ مقدمه اوائل المقالات، ص«مد» ـ «مح».

۱۸ ـ الثاقب فی المناقب، ابن حمزه طوسی، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۱۱، ص۲۳۶ ـ ۲۳۹.

ولی با توجه به ماجرایی که مفید نقل می‌کند تنها همین مقدار می‌توان فهمید که مفید کتابهایی را در علم تعبیر خواب در اختیار داشته است.[19]

حال نگاهی گذرا به شیوهٔ تألیفات مفید و موضوعات آن می‌اندازیم:

شیوهٔ تألیفات مفید و موضوعات آنها

آثار شیخ مفید را می‌توان در سه دسته قرار داد:

نخست: تألیفهای مستقلی که در موضوعات مختلف نگاشته شده و بسیاری از آنها با عنوان مسألة یا مسائل می‌باشد حدود ۱۲۰ عنوان از آثار مفید اینگونه‌اند.

دسته دوم: آثاری که در جواب سؤالات گوناگونی که از گوشه و کنار مملکت پهنـاور اسـلامی از ناحیه افراد و یا اهالی شهرهایی چون گرگان، رقّه، حرّان، خوارزم، مازندران، شیراز، صاغان، طبرستان، موصل، نیشابور، و از شرق تا غرب کشور اسلامی به حضورش می‌رسید، نگاشته شده که حدود ۴۵ عنوان را شامل می‌شود.

دسته سوم: تألیفاتی که در نقض و ردّ آثار دیگران نگاشته شده که حدود ۳۵ عنوان را در بر می‌گیرد.

با یك بررسی اجمالی در آثار موجود شیخ مفید و عناوین آثار مفقودش بدین نتیجه می‌رسیم که محور اساسی فعالیتهای مفید را دو زمینه کلام و فقه تشکیل می‌دهد و کتابهایی که به نحوی از انحاء به یکی از این دو زمینه باز نگردد، اندك است. ما در میان آثار بر جای مانده مفید به کتاب حدیثی بر نمی‌خوریم جز کتاب مزار و کتاب امالی، که این کتاب دوم هم، املاءهای مفید و تألیف دیگری است. کتاب نخست نیز از گرایش فقهی و کتاب امالی از گرایش کلامی بر کنار نیست.

ارشاد مفید که از مهمترین منابع در شناخت تاریخ زندگانی ائمّه می‌باشد، در واقع کتابی است کلامی، نگاشته شده با انگیزه‌های کلامی و برای اثبات امامت امامان، بسیاری از کتابهای فقهی مفید نیز رنگ کلامی دارد؛ چون رساله‌های فقهی

....

۱۹ ـ رك: کنز الفواید، کراجکی، دار الإضواء، بیروت، ۱۴۰۵، ج۲، ص۵۰.

وی در باره متعه و یا وجوب مسح بر پا (نه بر جوراب و کفش) که در دفاع از این آراء فقهی خاصّ امامیه در مقابل دیگر مذاهب نگاشته شده است.

با این دید اکثر کتابهای مفید کتاب کلامی بوده و پس از آن کتابهای فقهی بالاترین نقش را دارا می‌باشند و آثاری چون مسارّ الشیعه در تاریخ ولادت امامان یا مزار و موضوعات دیگر اندك است.

*** ب ـ امالی مفید**

ابو جعفر عن ابیه(ع): اِنَّ المَلك الْمُوَكَّلَ بِالْعَبْدِ یَكْتُبُ فی صَحیفَتِهِ اَعْمالَهُ فَاَمْلُوا فی اَوَّلِها وَ آخِرِها خَیْراً یُغْفَرْ لَكُمْ ما بَیْنَ ذٰلِكَ.

فرشته گماشته بر بنده، در صحیفه‌اش اعمال وی را می‌نویسد، پس در آغاز و پایان این صحیفهٔ خیر «املاء» کنید که ما بین آنها آمرزیده می‌گردد.

مهمترین اثر حدیثی بر جای مانده از شیخ مفید مجموعه روایاتی است که به نام امالی شهرت دارد. شیوهٔ روایت کتاب به گونهٔ املاء بوده است که در آن محدّث روایاتی چند را آرام آرام می‌خوانده و راویان، آن را یاد داشت می‌کردند. املاء یکی از طرق قدیمی انتقال حدیث و علم به شمار می‌رود و در میان دانشمندان تمامی فرقه‌های اسلامی به کار گرفته شده است. کسی که سمت املاء کننده را بر عهده می‌گرفته معمولاً از شیوخ و بزرگان بوده است.

در میان دانشمندان امامی، از جمله‌ای از آنها، امالی‌هایی در دست مانده چون امالی صدوق و امالی شیخ طوسی، این دو کتاب از جهاتی مانند موضوع، بی شباهت به امالی مفید نبوده و قابل مقایسه با آن می‌باشد.

امالی مفید از استوارترین کتب حدیثی شیعه بوده که با روشی هوشمندانه تنظیم شده است، ذوق و لطافت در این کتاب موج می‌زند، روایت آغازین کتاب که در صدر تیتر آورده شد دلیلی روشن بر سلیقه مفید است، استفاده از الفاظ «کتابت»، «صحیفه»، «املاء» و «اول» در این مقام بسیار جالب است.

ما در این قسمت این مقال بر آنیم که به تفصیل به شناسایی این کتاب بپردازیم، بحثهای آینده در ضمن عناوین زیر دنبال می‌شود:

۱ ـ نام کتاب؛

۲ ـ مکان و زمان مجالس؛

۳ ـ موضوع مجالس؛

۴ ـ مشایخ معروف مفید در روایات این کتاب؛

۵ ـ مجلس بیست و سوم؛

۶ـ راویان؛

۷ ـ امالی مفید و امالی صدوق؛

۸ ـ امالی مفید و امالی شیخ.

نام کتاب

این کتاب به نام امالی شهرت دارد، نجاشی در ضمن شمارش کتابهای مفید از الامالی المتفرقات نام می‌برد[20] که ممکن است تنها ناظر به این کتاب باشد و نیز ممکن است ناظر به کتابی خاص نبوده بلکه به املاءهای پراکنده وی نظر داشته که در موضوعات مختلف صورت پذیرفته است، مفید خود در اواخر تصحیح الاعتقاد به این گونه املاءها (با عبارت: فی مواضع من کتبنا و امالینا)[21] اشاره دارد، به هر حال اگر کلام نجاشی ناظر به کتاب مورد بحث باشد در مورد وصف المتفرقات باید گفت که این وصف یا به جهت پراکندگی زمان املاء و یا مختلف بودن موضوع روایات و یا پخش شدن روایت مشایخ در کتاب می‌باشد؛ زیرا بر خلاف امالی شیخ طوسی، روایت مشایخ هر یك در یك جا گرد نیامده است.

مکان و زمان مجلس

۱ ـ احادیث این کتاب در فاصلهٔ اول رمضان ۴۰۴ تا بیست و هفتم رمضان سال ۴۱۱ در طی ۴۲ مجلس املاء گردیده است، گویا در سال نخست مجالس همگی در منزل ضمرة ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالرحمان فارسی ـ که از حالات

....

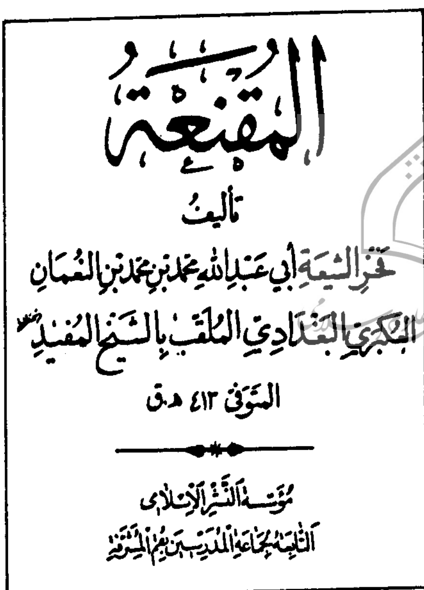
۲۰ ـ رجال نجاشی، رقم ۱۰۶۷، اواخر ص ۴۰۰.

۲۱ ـ تصحیح الإعتقاد، ص ۷۰.

وی چیزی نمی‌دانیم - در زیّارین در درب ریاح در بغداد انجام گرفته و در سالهای دیگـر این جلسات به مسجد شیخ مفید در درب ریاح منتقل گردیده و در نتیجه عمومی‌تر شده است.[۲۲]

۲ - در سالهای ۴۰۵ و ۴۰۶ به علت نا معلومی، هیچ مجلسی بر گزار نشده است.

۳ - مجالس بیشتر در ماه رمضان و گاه در ماه شعبان و رجب نیز بر پا می‌گشته است، گویا این مجالس شبیه منبرهای فصلی کنونی در ماه رمضان یا دهه محرم و صفر بوده که با توجه به رغبت مردم به سوی خدا در این ماهها و توجه آنها به مساجد، دائر می‌گردیده است.


المقنعة
تألیف
فخر الشیعة أبي عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبري البغدادي الملقب بالشیخ المفید
المتوفی ٤١٣ هـ.ق
مؤسسة النشر الإسلامي
التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة

۴ - مجالس، تقریباً به طور مرتّب در روز شنبه برگزار می‌شد، ولی گاه در روز چهـار شنبـه و دو شنبـه نیز این مجالس صورت می‌گرفته است.

۵ - در سال ۴۰۷ بیش از سایر سالها این جلسات دائر گردیده، ۱۲ جلسه از جلسات امالی به مجالس این سال اختصاص دارد، ولی در سال ۴۰۸ دو مجـلس برگزار شده و از این رو محتمل است که تاریخ تبعید وی این سال بوده نه سال ۴۰۹ چنـانچه ابن اثیر نوشته است.[۲۳]

۶ - آیا پـس از سـال ۴۱۱ دیگـر مجلـسی بـرگـزار نشـده؟ بـدرستـی معـلوم نیـست و احتـمال مـی‌رود کـه ایـن مجالـس در سالـهای بعـد تـا وفـات مفیـد در سال ۴۱۳ هم‌ادامـه

۲۲ امالی مفید، آغاز مجالس اول، دهم، یازدهم، بیست و چهارم.
۲۳ - کامل، ابن اثیر، ج۹، ص۳۰۷.

داشته، ولی راویان مجموعه کنونی در آنها حاضر نبوده‌اند در این باره پس از این صحبت خواهیم کرد.

۷ـ تاریخ مجلس چهل و یکم مقدم بر تاریخ مجلس چهلم می‌باشد که ظاهراً در اثر پس و پیش شدن اوراق، این اشتباه رخ داده است.

موضوع مجالس

۱ـ روایات امالی در نگاه نخستین در بارهٔ موضوع یا موضوعات خاصّی نیست، ولی با کمی دقّت می‌توان بیشتر آنها را در دو محور امامت و اخلاق دانست، موقعیت زمانی و مکانی، این گونه بحثها را ایجاب می‌کرد. محیط بغداد و بر خوردهای عقیدتی و لزوم حفظ کیان تشیع و هدایت مردمان به راه راست، طرح بحثهایی در باره امامت را الزام می‌نمود. زمان برگزاری مجالس نیز بیشتر در ماه مبارك رمضان و گاه ماه رجب و شعبان بوده است، ماههایی که انسان در آن به سوی خداوند راه می‌گشاید و تهذیب نفوس و تطهیر قلوب در سرلوحهٔ وظایف سخنرانان دینی قرار می‌گیرد و بحثهای اخلاقی جایگاه خویش را می‌یابد. روایات اخلاقی امالی طراوت و عطر ویژه‌ای دارد که قلبها را به هیجان می‌آورد و دیدگان را به گریستن وا می‌دارد، تأثیر چشمگیر این روایات از گزینش استادانه مفید ریشه می‌گیرد. در این میان روایات مفصل اخلاقی چون صحیفه زهد امام سجاد(ع) (ص۲۰۰) و کلام امیرمؤمنان(ع) با کمیل «اِنَّ هذه القلوب اوعیةٌ فخیرها اوعاها» (ص۲۷۴ زیبایی خاصی دارد مفید گاه با قرائت اشعار شیوا و دلنشین بویژه در پایان مجالس، جلسات را به ذوق و ادب می‌آراید.[۲۴]

بحثهای گوناگون مربوط به امامت چون لزوم ولایت، لزوم اطاعت امام، فوائد محبت اهل بیت، فضایل شیعه، علم ائمه و مظلومیت ائمه، قسمتی از موضوع روایات است. اثبات امامت امیرمؤمنان علی(ع) و سایر امامان نیز از راههای مختلف دنبال می‌شود، روایات و نصوصی که بر امامت امیرمؤمنان علی(ع) دلالت

....

۲۴ ـ امالی، ص۷، ۴۱، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۵۵، ۲۴۵، ۲۵۱، ۲۵۸، ۳۰۰، ۳۰۹، ۳۱۶.

دارد چون حدیث غدیر (ص۵۶)، و بر خورد غیر علمی و منفی ابو حنیفه با آن (ص۲۶)، حدیث منـزلت (ص۵۶)، سلام صحـابه پیامبر در حیات حضرت، بر علی(ع) به عنـوان امیرمؤمنـان (ص۱۸)، از این راههـاست، بیان فضـایل امیرمؤمنان(ع) در لسان پیامبر در روایاتی چون حدیث تشبیه (ص۱۴)، و مسدود ساختن تمـامی درهـایی که به مسجـد پیامبر باز می‌گردد بجز در خانه علی(ع) (ص۵۶)، حدیث ردّ شمس به خاطر علی(ع) (ص۹۴)، در همین راستا نقل می‌گردد.

پاسخ به برخی از شبهاتی که در مورد زندگانی ائمه وارد آمده بویژه در بارهٔ جنگ جمل ـ موضوعی که مفید را به تألیف کتاب مبسوطی وا داشت ـ و طرح پاره‌ای از بحثهای رایج چون عدم عصمت صحابه (ص۳۸)، سخن ابن عباس در انکار عول و تعصیب (ص۴۸ و ۲۸۴)، ذمّ اصحاب قیاس (ص۵۱)، نفی علوّ و تقصیر در حق امام علی(ع) (ص۹)، کیفیت علم غیب ائمه (ص۲۳)، عدم ایمان مرتکبان کبائر (ص۲۲ و نیز ص۲۷۴) که در ارتباط با نظرات مرجئه است، نهی از مجالست کسی که خداوند را وصف می‌کند (ص۱۱۲) در ارتباط با اصحاب تجسیم، مناظره ذوالرمه و رؤبة بن العجاج در افعال انسانها (ص۱۰۷) در ارتباط با بحث قضا و قدر، ایمان ابوطالب و اشعارش در نصرت پیامبر (ص۳۰۴) در پاسخ به نیاز کلامی جامعه بوده است.

۲ ـ تأثیر شرایط سیاسی بغداد بر شیوهٔ طرح روایات امالی و گزینش آنها مشهود است، مفید در سال نخست یعنی در سال ۴۰۴ با مطرح کردن ناشایستگی خلفاء پس از پیامبر، بر امامت بلافصل امیرمؤمنان(ع) احتجاج می‌ورزد. داستان فدك و ممانعت ابوبکر از دادن آن به حضرت فاطمهٔ(س) (ص۴۰)، عزل ابوبکر از ابلاغ سوره برائت و سپردن آن به امام علی(ع) (ص۵۶) و ماجرای روز پنجشنبه آخر عمر پیامبر که حضرت در آن برای هدایت جاوید امت، قلم و دوات طلبید، ولی عمر با طرح «حسبنا کتاب الله» مانع گردید (ص۳۶)، دستور عمر به آتش زدن خانه حضرت فاطمه(س) (ص۴۹)، داستان قرض خواستن عثمان از بیت المال و خود داری وی از دادن رسید به خزانـه‌دار با این بهـانه که تو خزانه‌دار مایی و

اعتراض عمّار یاسر و برخورد بسیار تند و خشن عثمان و ناسزای رکیك وی نسبت به عمّار، برخوردی که او را نیم روز بیهوش کرد و تبعیض سه خلیفه به سود اقوام و هم قبیله‌های خود از تیم وعدی و بنی امیه و سپردن بیت المال به اختیار آنها (ص۷۰) به همان انگیزه کلامی مطرح شده است.

ولی این گونه روایات در سال ۴۰۷ کمتر شده و تنها به اعتراض پدر ابوبکر به خلافت وی (ص۹۱)، شکایت حضرت فاطمه(س) از اولیاء امور (ص۹۵)، تبعید ابوذر بوسیله عثمان (ص۱۱۲، ۱۶۴)، نزاع عایشه و عثمان بر سر میراث پیامبر و نقش عایشه در منع فاطمه(ع) از میراث پیامبر و تحریك وی در کشتن عثمـان (ص۱۲۵) و اعتـراض امیرمؤمنـان به ابوبکر و عمر در مسئله خلافت (ص۱۵۳) اکتفا شده است.

مجالس پایانی کتاب از سال ۴۰۸ به بعد از این گونه روایات کاملاً بر کنارست.

تفاوت شیوهٔ نقل روایات را باید در مکان و زمان مجالس جستجو کرد، در سال ۴۰۴ مجالس در خانه برخی از شیعیان برگزار می‌شده نه در مسجد بـخـلاف سالهـای بعد که محل تشکیل مجالس به مسجد انتقال می‌یابد و در نتیجه مفید می‌بایست نسبت به فتنه انگیزی فتنه جویان هوشیار بوده، بهانه به دست فرصت طلبان بیکار ندهد.

تغییر زمـامـداران بغداد در این امر نمی‌تواند بی تأثیر باشد. در سالهای نخستین برگزاری این مجالس، فخرالملك زمامدار بغداد از سوی امیر بویهی بوده که احتمالاً شیعی بوده و لااقل این قدر در باره وی مسلّم است که نسبت به شیعیان نظر ملایمی داشته است، در زمان وی برپایی مراسم عاشورا و غدیر دو باره به گونه مسالمت آمیزی تجدید شد، وی در سال ۴۰۶ در اهواز به قتل رسید و جنازه او را به نجف اشرف منتقل کردند.[۲۵] پس از وی حسن بن سهلان به نیابت از بویهیان

....

۲۵ ـ کامل، ج۹، ص۲۶۰؛ العبر، فی خبر من غبر، ذهبی، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵، ج۲، ص۲۰۰؛ المنتظم، ج۱۲، ص۵.

اداره امور بغداد را در اختیار گرفت، وی نسبت به شیعیان سختگیر بوده و اصولاً طبعی خشن و مزاجی تند داشته و حکمرانی ستمگر بود.[۲۶] وی شیخ مفید را در سال ۴۰۹ (و یا احتمالاً در سال ۴۰۸) از بغداد تبعید کرد.[۲۷]

به هر حال با وجود تفاوتهایی که در مجالس امالی از جهت کیفیت توزیع روایت کلامی و اخلاقی وجود دارد هیچ یك از مجالس آن از این دو موضوع خالی نبوده بلکه در هر دو موضوع در هر مجلسی روایاتی عنوان گردیده است، تنها مجلس بیست و سوم در این مورد وضعیت استثنائی دارد که جداگانه از آن سخن می‌گوییم.

در مقایسه امالی مفید با امالی صدوق و امالی شیخ از زاویه دیگری به موضوع روایات امالی خواهیم نگریست.

مشایخ معروف مفید در امالی

روایات امالی از محدّثان گوناگون نقل شده، روایات مشایخ در یك جا جمع نشده است (به جز در مجلس بیست و سوم) این امر می‌رساند که مفید در گزینش روایات نقش فعالی داشته و تنها مجموعه روایات مشایخ را به ترتیب املاء نکرده است، راویان اصلی امالی بخصوص در موضوع امامت، کسانی هستند که در نزد عامّه از اعتبار و وجهه برخوردارند، راویان شیعی بیشتر در احادیث اخلاقی به چشم می‌خورند؛ در اینجا ما فهرست برخی از راویان معروف را به ترتیب مقدار تکرار روایات آنها در امالی ذکر می‌کنیم:

کل روایات امالی (بجز مجلس ۲۳) ۳۳۹ روایت است:

۱ ـ ابوبکر محمد بن عمر بن محمد الجعابی حافظ معروف بغدادی (م۳۵۵): ۶۶ روایت.

۲ ـ ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه (م۳۶۹): ۴۰ روایت.

۳ ـ ابوالحسن احمد بن محمد الحسن بن الولید (بدون شمارش مجلس

....

۲۶ ـ کامل، ج۹، ص۳۰۶.
۲۷ ـ همان، ص۳۰۷.

۲۳): ۳۰ روایت.

۴ـ ابو عبیدالله محمد بن عمران مرزبانی (م۳۸۴): ۲۳ روایت.

۵ـ شیخ صدوق محمد بن علی بن الحسین بن بابویه (م۳۸۱): ۲۲ روایت.

۶ـ ابوحفص عمر بن محمد بن علی صیرفی معروف به ابن زیّات (م۳۷۵): ۲۲ روایت.

۷ـ ابوالحسن علی بن محمد بن حبش[۲۸] کاتب: ۱۹ روایت.

۸ـ ابوالحسن علی بن خالد مراغی: ۱۸ روایت.

۹ـ ابوالحسن علی بن بلال مهلّبی: ۱۷ روایت.

این روات تقریباً ۷۶ درصد روایات کتاب را روایت نموده‌اند.

در این میان قاضی ابن جعابی خود به تنهایی از ۳۳۹ روایت امالی، ۶۶ روایت یعنی حدود $\frac{1}{5}$ روایات کتاب را نقل کرده است.

ابن جعابی و ابو عبیدالله مرزبانی و عمر بن محمد صیرفی و علی بن محمد بن حبش از روات معروف و شناخته شده در نزد عامّه هستند که بر روی هم تقریباً ۳۹ درصد روایات کتاب را به خود اختصاص داده‌اند.[۲۹]

مجلس بیست و سوم

در میان مجالس امالی، مجلس بیست و سوم از وضعیت کاملاً استثنایی برخوردار است. این مجلس بر خلاف تمامی مجالس دیگر بدون ذکر تاریخ می‌باشد و تنها در موضوع اخلاق بوده، اصلاً روایاتی در مورد امامت در آن دیده نمی‌شود، تمامی روایات آن به یك سند از احمد بن محمد بن حسن بن ولید به اسنادش تا علی بن

....

۲۸ ـ نام وی در برخی مصادر به اختصار و با نسبت به جدّ ذکر می‌شود، نام جدّ وی در امالی به صورت حبیش درج شده، ولی در فهرست شیخ، رقم ۷، از وی با عنوان علی بن حبشی الکاتب یاد شده است؛ سپس شیخ طوسی از مفید [با لقب الشیخ] حکایت می‌کند که صحیح حبش بدون یاء می‌باشد. خطیب بغدادی ترجمه وی را در تاریخ بغداد، ج۱۲، ص۸۷ تحت عنوان علی بن محمد بن عبدالله ابوالحسن یعرف بابن حبش الکاتب آورده‌و می‌نویسد: وجدّه عبدالله هو الملّقب بحبش.

۲۹ ـ ترجمه این راویان را در تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج۳، ص۲۶ و ۱۳۵، ج۱۱، ص۲۶۰ و ج۱۲، ص۸۷ بنگرید.

مهزیار نقل شده و از روایات سایر مشایخ اصلاً خبری در آن نیست، این شواهد می‌رساند که این روایات به شیوهٔ املاء نقل نگردیده و در زمرهٔ مجالس امالی مفید به شمار نمی‌رود. تعداد روایات این مجلس نیز خود شاهد گویایی بر این معناست؛ چه بر خلاف سایر مجالس که هر یك در برگیرنده حدود هشت روایت و حداکثر ۱۶ روایت بوده و به طور متوسط حدود هشت صفحه کتاب را پر کرده است، مجلس بیست و سوم دارای ۴۷ روایت می‌باشد که در ضمن آنها رساله اخلاقی طولانی از امام سجّاد(ع) ذکر شده و ۳۳ صفحه کتاب را شامل می‌گردد. این مقدار روایت به هیچ وجه با یك مجلس املاء تناسب ندارد، مجلس امالی که استاد به ناچار روایات را آرام‌آرام می‌خوانده تا شاگردان بتوانند آن را بنویسند ـ خصوصاً اگر عمومی باشد ـ پذیرای بیش از حدود همان هشت صفحه را ندارد.

این قسمت امالی قبل از نخستین مجلسی که در سال ۴۰۸ روز ۲۴ رمضان انجام شده درج گردیده و به نظر می‌رسد که با توجّه به فراهم نشدن زمینه برگزاری مجالس پیش از این روز، شیخ مفید قسمتی از کتاب زهد علی بن مهزیار را در اختیار راوی کتاب امالی قرار داده تا آن را به جای مجالس انجام نشده در این مجموعه ثبت نماید، بنابراین مناسب است که این قسمت به عنوان جزئی از کتاب علی بن مهزیار به روایت شیخ مفید به گونه مستقل نشر یابد.

راویان

۱ ـ راوی اصلی کتاب و گوینده «اخبرنا» در آغاز روایات بروشنی معلوم نیست، در مقدمه امالی مفید علی بن محمد بن عبدالرحمان فارسی را راوی کتاب معرفی کرده‌اند[۳۰]، ولی این شخص کسی است که مجالس در سال ۴۰۴ در منزلش برگزار می‌شده و دلیلی بر اینکه راوی کتاب باشد در دست نیست، بلکه بنابر ظاهر تعبیر آغاز امالی راوی کتاب او نیست.

به هر حال راوی امالی گاه خود حاضر نبوده و پسرش ابوالفوارس یا برادرش ابو محمد عبدالرحمان یا حسین بن علی نیشابوری روایات را ازشیخ مفید

....

۳۰ ـ امالی مفید، ص۱۲.

شنیده‌اند، راوی مجالس خود پس از نسخه برداری از روایات مجالسی که حاضر نبوده آنها را بر مفید قرائت نموده است.[31]

آنچه تا کنون گفته شد گزارشی از نسخه چاپی امالی مفید بود. از سایر منابع، راویان دیگری را که در این مجالس شرکت می‌کرده‌اند به دست می‌آوریم. شیخ طوسی در بسیاری از مجالس حاضر بوده و یا پس از مجلس، آنها را از شیخ مفید اخذ کرده است چنانچه پس از این خواهد آمد.

۲ ـ در بحار به نقل از کتاب قبس المصباح روایت نخست مجلس سی و پنجم را از گروهی از شاگردان مفید نقل می‌کند، با این تصریح که شیخ مفید آن را در روز شنبه ۳ رمضان ۴۱۰ (همان تاریخ ذکر شده در امالی) روایت کرده است.[32] این راویان عبارتند از: شریف مرشد ابو یعلی محمد بن حسن بن حمزه جعفری؛ شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی؛ شیخ صدوق ابوالحسین احمد بن علی نجاشی؛ شیخ زکی ابوالفرج مظفر بن علی بن حمدان قزوینی.

صهرشتی به جز از مظفر بن علی، از سایر این دانشمندان در بغداد اخذ حدیث کرده و از مظفر بن علی در قزوین.

امالی مفید و امالی صدوق

* ۱ ـ محدث خبیر شیخ صدوق به املاء روایاتی از تاریخ ۱۸ رجب ۳۶۷ تا ۱۹ شعبان ۳۶۸ پرداخته که در ضمن کتاب امالی صدوق گردآوری شده است. در این ۱۳ ماه، ۹۷ مجلس املاء بر پا شده و در مجالس پایانی تصریح گردیده که در مشهد مقدس در هنگامی که صدوق به جانب دیار ماوراء النهر خارج می‌شده آنها را املاء کرده است و به احتمال بسیار زیاد دیگر مجالس نیز در شهرهای مشرق زمین برگزار می‌شده است.

بررسی تفصیلی این کتاب و مقایسهٔ جزئیات آن با امالی مفید در این بخش از سخن در نظر نیست، بلکه ما تنها از زاویه شیوهٔ گزینش روایات و موضوعات

....

۳۱ ـ امالی مفید، آغاز مجالس ۴ ـ ۷، ۱۷ ـ ۲۱، ۲۶ ـ ۳۱.

۳۲ ـ بحارالأنوار، علامه مجلسی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۰، ج۲، ص۱۸۰.

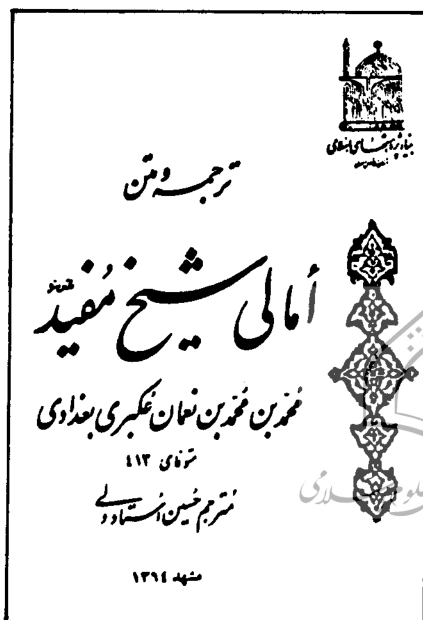
طرح شده در این مجالس به این دو کتاب می‌نگریم.

* ۲ ـ روایات امالی صدوق بر خلاف امالی مفید در محور خاصی نیست و از بابهای مختلف معارف دینی در این کتاب روایت آمده است. بجز موضوعات اخلاقی و فضایل اهل بیت و امامت، روایاتی در زمینه فقه، کلام، توحید، تفسیر، تاریخ زندگی پیامبران و امامان، ماجرای شهادت امام حسین(ع)، داستان معراج، ثواب و پاداش اعمال و جز آن در این کتاب دیده می‌شود، روایاتی در ابطال حکم منجمان، حقوق حیوانات، آداب نزدیکی با همسر، نسب غیر معروف امیرمؤمنان و موضوعات پراکندهٔ دیگر در امالی صدوق راه یافته است.

* ۳ ـ شیخ صدوق با گسترهٔ اطلاعات حدیثی و آثار ارزشمند و بسیار روایی و اهتمام فوق‌العاده به امر روایات، گنجینهٔ گرانبهایی از علوم و معارف اهل بیت از خود بجای گذاشت، روایات بسیاری تنها از طریق آثار این محدّث قمی به دست ما رسیده است، دانشمندان قم با ارج نهادن به روایات، میراث حدیثی گرانسنگی برای آیندگان فراهم آوردند و از این جهت حوزه قم باحوزه بغداد قابل مقایسه نیست، ولی کتابهای صدوق همگی در یك سطح از اعتبار نیست. شیخ صدوق در امالی به سان کتاب من لا یحضره الفقیه تنها به جمع آوری و نقل روایات معتبر نپرداخته، بلکه روایات بسیاری در این کتاب دیده می‌شود که هیچ معلوم نیست که صدوق خود به مضمون آنها ایمان داشته باشد، از این رو ما در امالی صدوق ـ بر خلاف امالی مفید ـ روایتهایی با متنهای دشوار و نیازمند توجیه و تأویل که در سطح عموم قابل طرح نیست و عموماً از جهت سند با اشکال مواجهند، روبرو می‌باشیم، روایاتی چون تفسیر ابجد (مجلس ۵۲ و ۵۳)، تفسیر ناقوس (مجلس ۴۰)، منقولاتی از وَهْب بن مُنَبِّه و از کتابهای یهود و نصاری (مجلس۱، ۳۳ و ۴۶)، روایاتی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع) (مجلس ۳۳، ۵۷) از این گونه روایاتند. روایاتی از طرق عامّه در ثواب شگفت انگیز بر برخی عبادات مانند روزه ماه رجب (مجلس ۸۰)، روزه ماه شعبان (مجلس ۷)، روزه ماه رمضان (مجلس ۱۲)، نماز جماعت (مجلس ۱۶)، نماز شب (مجلس ۴۸)، ثواب اذان (مجلس ۳۸) در امالی صدوق یافت می‌شود که برای برخی اذهان قابل هضم نیست، در امالی

صدوق داستانهایی نیز که از جهات تاریخی چندان تأیید نشده چون ماجرای دو طفلان مسلم (مجلس ۱۹) قابل بررسی است.

امالی مفید از این جهت بسیار منقّح و از دشواری بر کنار است، روایات آن برای عموم قابل درك بوده، و روایات عامّه نیز بیشتر در زمینه امامت ـ که بالطبع می‌بایست در آن در درجه نخست به روایات عامّه استناد شود ـ و یا روایات اخلاقی قابل فهم افراد عادی می‌باشد.



البته روش مفید به عنوان یك متکلّم زبر دست با اندیشه‌های عقل گرایانه و با گرایشهای کلامی، ناچار می‌بایست با روش صدوق به عنوان یك محدّث برجسته و مقیّد به روایات ـ بلکه به عقیده مفید، اخباری مسلك ـ متفاوت باشد مفید در چندین مورد از کتاب تصحیح الإعتقاد بر شیخ صدوق به خاطر گرایش اخباری اعتراض می‌کند. وی ظاهر گرایی و عدم تعمّق در روایات و پیروی از راویان را نکوهش نموده (ص۱۶)، اعتماد بر روایات شاذّ و دور افتاده را ناصواب می‌داند (ص۱۹، ۲۳، ۵۶، ۵۸)، و مایل است علاوه بر نقل روایات، در معنای آن نیز دقت شود (ص۲۲).

او می‌نویسد: اصحاب اخباری مسلك ما دارای ذهنی سالم ولی دور از تعمّق بوده و بهره کمی از هوشیاری دارند و بدون دقّت از کنار احادیث می‌گذرند و در سند آن تأمّل نمی‌کنند و حق و باطل آن را از هم جدا نمی‌سازند.[۳۳]

....

۳۳ ـ تصحیح الإعتقاد، ص۳۸.

البته ما در این مقام در صدد داوری بین این دو روش نیستیم، بلکه تنها گزارش آراء و تبیین نگرش مفید به مسلك اخباریگری قدیمی در نظر بوده است، با این حال در اینجا نباید از یك مطلب مهم که اشاره بدان در ضمن سخن رفت غافل بود، که با توجه به دشواری فهم و تأویل خواهی و تفسیر پذیری روایاتی چند از امالی صدوق، مطرح کردن این کتاب در سطح عموم و ترجمه آن بدون پاسخ کافی و قانع کننده به شبهاتی که از طرح روایات آن ناشی می‌گردد به هیچ عنوان شایسته نیست،ولی در امالی مفید این مشکل اصلاً به چشم نمی‌خورد.

امالی شیخ مفید و امالی شیخ طوسی

امالی شیخ طوسی مجموعه روایاتی است که وی از ربیع الأول سال ۴۵۵ تا صفر ۴۵۸ در هنگامی که به اجبار از بغداد به شهر مقدس نجف کوچ کرده بود در آستانه امام علی(ع) املاء می‌کرده است، قسمتی از این مجموعه به صورت جزء جزء در ۱۸ جزء می‌باشد که آن را احیاناً امالی ابن الشیخ می‌خوانند. این نامگذاری درست نیست بلکه تمامی کتاب، املاء شیخ طوسی بوده با این تفاوت که این قسمت آن را فرزند شیخ طوسی، ابو علی حسن روایت کرده است، قسمت دیگر امالی شیخ طوسی به صورت مجلس مجلس از چهارم محرم ۴۵۷ تا ششم صفر ۴۵۸ در ۲۶ مجلس، املاء شده است. در قسمت نخست روز برگذاری مجالس روشن نیست و هر جزء ظاهراً چندین مجلس را در بر می‌گیرد، در قسمت دوم امالی شیخ طوسی تصریح شده که تمامی مجالس در روزهای جمعه بر پا شده و این می‌رساند این مجالس شبیه امالی مفید که در ماههای رمضان و نیز رجب، شعبان برگزار می‌شده در روز جمعه و به گونهٔ منبرهای هفتگی در هنگام توجه مردمان به خدا برگزاری می‌شده است. البتـه در این قسمت امـالی طوسی در نسخـه کنونی، اختلالات فراوانی راه یافته، تاریخ مجالس پس و پیش است، روایات در هم ریخته است که نشانگر پس و پیش شدن اوراق نسخه موجود می‌باشد، تواریخ مجالس نیز با هم نمی‌خواند مثلاً مجلس چهارم محرم ۴۵۷ و ۲۶ صفر این سال هر دو در جمعه

دانسته شده که با هم قابل جمع نیست[۳۴] (مگر با تکلّف) و نیز ۱۱ صفر ۴۵۷ و ۲۴ صفر این سال هر دو نمی‌تواند د رجمعه باشد.[۳۵]

به هر حال شیخ طوسی در این املاءها، روایات خود از مشایخ را هر یك در جای مخصوصی و به دنبال هم آورده است، نخست از روایات مفید آغاز نموده و سپس روایات سایر مشـایخ خود را که بیشتر از عامّه‌اند نقل کرده است. بدین ترتیب ما نیز بحث و بررسی در مورد این دو کتاب را در دو قسمت دنبال می‌کنیم، نخست به جستجوی میزان تأثیر امالی مفید در امالی شیخ طوسی و ارتباط این دو کتاب با هم می‌پردازیم، سپس سایر روایات شیخ طوسی را با امالی مفید مقایسه خواهیم کرد.

تأثیر امالی مفید در امالی شیخ

شیخ طوسی به سال ۴۰۸ به بغداد وارد شده و تنها ۵ سال آخر عمر شیخ‌مفید را درك کرده است، مجالس املاء حدیث مفید چهار سال قبل از ورود شیخ طوسی به بغداد آغاز شده است، شیخ طوسی یك سال پس از ورود، در سال ۴۰۹ در این مجـالس شرکت جسته است. وی در امالی خود در جزء اول و اوائل جزء دوم، مجالس ۲۶ تا ۳۳ امالی مفید و در اواخر جزء دوم تا اوائل جزء پنجم، مجالس ۳۴ تا پایان امالی مفید را روایت کرده است. در میان این روایات، روایات کمی نیز از ابن عقده و ابوغالب زراری دیده می‌شود که به روایت مفید نیست، پس از پایان گرفتن روایات امـالی مفید تا اوائل جزء نهم، روایات دیگری از مفید نقل شده است، بسیاری از این دسته روایات و روایات دیگر امالی شیخ از مفید بر سبك و سیاق امـالی مفید نیست، بلکـه بر خلاف روایات امالی مفید روایات بسیار از محدّثان امالی نقل شده چندین روایت پشت سر هم از ابوالطیّب حسین بن محمد نحـوی حکـایت گردیده.[۳۶] موضـوع جمله‌ای از احادیث با روایات امالی مفید

....

۳۴ ـ امالی شیخ طوسی، مکتبه داوری، قم (افست از چاپ نجف)، ج۲، ص۱۳۸، ۱۵۷.

۳۵ ـ امالی شیخ طوسی، ج۲، ص۱۷۴، ۱۸۷.

۳۶ ـ امالی شیخ، اول جزء اول.

سازگار نیست مثلاً عبارتی به نقل از وهب بن منبه از زبور روایت شده است،[37] ولی بسیاری از روایات این قسمت نیز درست بر همان شیوه امالی مفید می‌باشد و از اینجا این احتمال به وجود می‌آید که شاید مجالس املاء مفید در سال ۴۱۱ پایان نگرفته، بلکه شیخ مفید در سالهای دیگر از عمر خود نیز به املاء و نویساندن احادیث اشتغال داشته ولی راویان مجموعه کنونی امالی، در مجالس آن حاضر نبوده‌اند.

نکته جالب توجه در اینجا این است که در اواسط جزء هفتم، روایات مجلس ۲۱ و ۲۲ امالی مفید که در سال ۴۰۷ یعنی قبل از ورود شیخ به بغداد املاء گردید، روایت شده است، گویا شیخ طوسی مدتها پس از برگزاری این مجالس آن را از شیخ مفید اخذ نموده است.

پس از پایان یافتن روایات مفید، روایات کمی از مفید در پایان جزء چهاردهم نیز روایت شده و در بقیه اجزاء، روایات مشایخ دیگر گزارش شده است.

به هر حال مقایسه قسمتهایی از امالی طوسی که از امالی مفید برگرفته شده با این کتاب می‌رساند که شیخ طوسی در مورد این روایات نقش فعّالی نداشته و تقریباً تمامی روایات مفید را بعین ترتیب، املاء نموده است. تفاوتهای کمی که در ترتیب دیده می‌شود به این نتیجه لطمه‌ای وارد نمی‌سازد، البته شیخ طوسی روایات غیر معصومین چون شریح قاضی (ص۲۴۵) و قطعاتی از اشعار امالی مفید را نقل نکرده است، و در نتیجه نقش چندان مؤثری در گزینش روایات بازی نکرده است، شاید به همین جهت است که عنوان روایات مفید از نسخه معتبری از امالی طوسی که در کتابخانه‌ملک‌تهران نگهداری می‌شود چنین است:احادیث محمدبن محمدبن النعمان روایة محمد بن الحسن الطوسی، شبیه این عنوان در باره روایت سایر مشایخ نیز دیده می‌شود که ممکن است از آن برداشتی مشابه این برداشت بشود.

روایات امالی شیخ طوسی از غیر مفید

در امالی شیخ طوسی روایات بسیاری از مشایخ دیگر وی املاء شده که بیشتر آنها

---

۳۷ ـ امالی شیخ، جزء ۴، ج۱، ص۱۰۵ و نیز جزء ۷، ج۱، ص۱۸۵.

ـ بخصوص در قسمت معروف به امالی ابن الشیخ ـ سنّی هستند. شیخ طوسی در باره برخی از آنها چون ابن ابی الفوارس و ابن صلت اهوازی تصریح می‌کند که روایات را آنها املاء نموده و وی شنیده است[۳۸] در باره جمله‌ای دیگر از مشایخ چون هلال حفّار و علی بن شبل نیز می‌نویسد که بر آنها قرائت می‌کردند و من می‌شنیدم[۳۹] و در مورد پاره‌ای دیگر چون ابن حمّامی و ابن مخلد و حموية بن علی تنها به کلمه «قراءةً علیه» اکتفا نموده[۴۰] که ممکن است به قرائت شیخ و یا به قرائت شخص دیگری باشد، در باره گروه چهارمی از آنها معلوم نیست که روایت به چه نحو باشد.[۴۱]

به هر حال شیخ طوسی از مشایخ خود در سالهای ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۷ در حیات مفید و پس از مرگ وی در اماکن مختلف بغداد چون خانه‌های مشایخ که در محلّات گوناگون این شهر چون درب زعفرانی، محله بنی فزاره، درب سلولی، باب مخوّل و یا در مسجد رصافه در جانب شرقی بغداد، مسجد خیابان دار الرقیق و در خانه غضائری اخذ کرده است.[۴۲] وی از ابو محمد فحّام نیز در سرّمن رای روایت دریافت داشته است.[۴۳] و این خود رساننده تلاش مستمر شیخ طوسی برای جمع آوری حدیث از مشایخ ـ که بیشتر از سالخوردگان و معمّران بوده‌اند ـ می‌باشند.

ولی با این حال روایات امالی شیخ طوسی یك تفاوت اساسی با روایات امالی مفید دارد، در روایات امالی شیخ طوسی در بسیاری از موارد به روایات بسیاری به طور متوالی به یك سند از کسانی چون ابن عقده (جزء ۹ و ۱۰) ابو قتاده (جزء ۱۰ و ۱۱) ابراهیم بن اسحاق احمری (جزء ۱۴) ابوالمفضّل شیبانی

....

۳۸ ـ امالی شیخ، جزء ۱۱، ج۱، ص۳۱۲؛ جزء ۱۲، ج۱، ص۳۴۰.
۳۹ ـ امالی شیخ، جزء ۱۳، ج۱، ص۳۸۵؛ جزء ۱۴، ج۲، ص۱۹.
۴۰ ـ امالی شیخ، جزء ۱۳، ج۱، ص۳۸۹ و ۳۹۱؛ جزء ۱۴، ج۲، ص۱۳.
۴۱ ـ امالی شیخ، جزء ۹، ج۱، ص۲۵۲؛ جزء ۱۰، ج۱، ص۲۸۰؛ جزء ۱۱، ج۱، ص۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵؛ جزء ۱۴، ج۲، ص۳، ۸.
۴۲ ـ به صفحاتی که در پاورقیهای قبل ارجاع داده شد مراجعه شود.
۴۳ ـ امالی شیخ، جزء ۱۰، ج۱، ص۲۸۰.

(جزء ۱۶ ـ ۱۸) نقل شده که به نظر می‌رسد شیخ طوسی آنها را از روی کتاب این اشخاص املاء می‌کرده است. شیخ طوسی برخی از مجالس امالی را به طور کامل به روایت حسین بن عبیدالله غضائری روایت کرده است. (جزء ۱۵).

با عنایت به امور بالا به این نتیجه می‌رسیم که شیخ در این کتاب به اندازه مفید در امالی به گونه مستقل به گزینش روایات نمی‌پردازد و گزینش آنها تحت تأثیر املاءها یا کتابهای محدّثان گذشته می‌باشد.

بررسی موضوع روایات در این دو کتاب

موضوعات امالی طوسی بر خلاف امالی مفید بر یك یا چند محور خاص دور نمی‌زند و به سبك و سیاق امالی صدوق نزدیکتر است هر چند به پراکندگی و گستردگی امالی صدوق نیز نمی‌رسد، روایات بحث انگیز و توجیه پذیر امالی طوسی نیز به اندازه روایات این گونه امالی صدوق نیست.

به هر حال در امالی مفید موضوعاتی چون داستانی از صفیه بنت عبدالمطلب (ص۲۶۷)، کیفیت قسمت غنائم در جنگ خیبر (ص۲۶۸)، تاریخ وفات پیامبر به نقل از ابوبکر بن حزم (ص۲۷۲)، بلند خواندن امام صادق(ع) بسم الله الرحمن الرحیم را (ص۲۷۹)، مدح عباس و ابن عباس (ص۲۸۰)، دعاء استخاره (ص۲۹۹)، فائده انگشتر عقیق (ص۳۱۸)، نهی از نذر پیاده به حج رفتن (ص۳۶۹)، فائده خوردن کشمش (ص۳۷۵)، و یا سایر میوه‌جات (ص۳۷۶) و یا مسائل فقهی (ص۳۵۷) دیده می‌شود، ما این موضوعات را تنها به عنوان نمونه آن هم از جلد نخست امالی بر گزیده‌ایم، نظیر این موضوعات را درجلد دوم امالی نیز می‌یابیم. البته موضوع امامت و اخلاق در این کتاب نیز نقش والایی داشته و مورد اهتمام بوده است.

با یك نگاه اجمالی به سه کتاب امالی از شیخ صدوق و شیخ مفید و شیخ طوسی چنین به نظر می‌آید که گزینش امالی مفید از دو کتاب دیگر حساب شده‌تر است و با حوصله و دقت و وسواس بیشتری صورت پذیرفته است.

در اینجا بحث از امالی مفید را به پایان می‌بریم هر چند برخی از بحثهای

مهم چون سنت املاء در فرهنگ اسلامی و فهرست امالی مختلف از دانشمندان مذاهب مختلف، آغاز املاء در تمدن اسلامی بر جای مانده که به تتبّع و جستجویی دامنه دار نیازمند است. معرفی چاپهای مختلف کتاب و ترجمه‌های آن نیز در این مقال در مدّ نظر نبود.

* ج ـ مقنعه

شیخ مفید سرآمد متکلّمان و فقیهان عصر خویش بود و چنانچه پیشتر گفته شد پس از کلام، موضوع اکثر کتابهای وی فقه می‌باشد، در میان کتابها و رساله‌های فقهی وی، کتاب مقنعه با اشتمال بر یك دورهٔ کامل فقه، مهمترین اثر فقهی وی بوده و بروشنی چهره فقهی مفید را می‌نمایاند، از این رو در این قسمت از مقال به بحث و بررسی این کتاب در ضمن عناوین زیر می‌پردازیم:

۱ ـ گزارشی از کتاب مقنعه؛ ۲ ـ مقنعه و آثار فقهی متقدّم؛ ۳ ـ جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود؛ ۴ ـ مقنعه و تهذیب الأحکام؛ ۵ ـ نکاتی در باره مقنعه.

گزارشی از کتاب مقنعه

شیخ مفید در پاسخ درخواست فردی که از وی با عنوان «السید الامیرالجلیل اطال الله فی عزّالدین و الدنیا مدّته...» یاد می‌کند، مختصری در احکام نوشته است، وی در آغاز، عقائدی را که اعتقاد به آنها بر تمامی مکلّفان واجب است به گونه کاملاً کوتاه و موجز ذکر کرده است.[۴۴]

با نگاهی اجمالی به این کتاب در می‌یابیم که مقنعه بیشتر به مسائلی که در روایات طرح شده نظر داشته است، این کتاب با طرح کردن دعاها و زیارات و نمازهای مستحبی طولانی و بابی در تاریخ ولادت و وفات امامان(ع) و جز آن، از محدودهٔ یك اثر فقهی به معنای مصطلح کنونی خارج شده و با نقل فراوان روایات فقهی، چهرهٔ فقهی ـ حدیثی به خود گرفته است و بویژه با توجه به عدم نقل پاره‌ای از روایات آن در مصادر حدیثی موجود به عنوان یك مصدر حدیثی تلقی می‌گردد.

....

۴۴ ـ مقنعه، شیخ مفید، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، ص۲۷ ـ ۳۵.

این کتـاب تنها یك متن فقهی که به ذکر فتاوی اختصاص داشته باشد نیست، بلکه در بسیاری از موارد با طرح آیات مربوطه ـ بویژه در آغاز ابواب ـ و یا روایات و اشاره به اجماع و اتفاق به استدلال بر فتاوی پرداخته است، آیات نقل شده غالباً تفسیر شده‌اند. در نتیجه این کتاب را به عنوان اثری در فقه القرآن و فقه استدلالی نیز می‌توان مطرح نمود.

بدین ترتیب این کتا ب دربرگیرنده موضوعات و مسائل مختلفی است که در آثار متأخر نه در ضمن یك کتاب بلکه در کتابهایی چند مطرح می‌شود، آنچه گفته آمد نگاهی گذرا به مقنعه بود.

تفصیل بیشتر

حال با طرح مطالبی چند با شرح و تفصیل بیشتر و از دیدگاه نزدیکتری به این کتاب می‌نگریم:

۱ ـ عبارات مقنعه هر چند بیشتر دربرگیرنده مسائل منصوصه است ولی الفاظ آن الزاماً عین الفاظ روایت نیست، بلکه در بسیاری موارد عبارات به انشاء خود مفید است.

۲ ـ شیخ مفید در بسیاری از موارد به روشن نمودن مسائل طرح شده در روایات می‌پردازد و به اجمال و ایجاز بسنده نمی‌کند، امری که گاه به تکرار می‌انجامد.

۳ ـ گرایش به طرح مسائل به صورت جزئی در این کتاب مشاهده می‌گردد و از این رو به جای طرح مسائل به صورت کلی، احیاناً دو مسئله نزدیك به هم با عباراتی مشابه بیان می‌شود، مثلاً در باب نماز (ص۱۰۳ ـ ۱۳۷) در مورد هر یك از نمازهای روزانه، آداب و سنن مشترك تکرار شده است.

۴ ـ مفید در باب نماز و حج ابتدا به تفصیل به ذکر اعمال واجب و مستحب آنها ـ بدون جدا سازی هر یك از دیگری ـ می‌پردازد و سپس آداب واجب را ازآداب مستحب جدا می‌کند،[۴۵] در این جا استقلال عبارتهای مفید از عبارات روایات

....

۴۵ ـ مقنعه، ص۱۰۳ ـ ۱۴۵ و ۳۹۶ ـ ۴۳۰ و ۴۳۱.

بروشنی دیده می‌شود و در عین حال عدم تمایل مفید به موجز نویسی و اختصار گویی نیز مشهود است.

۵ ـ مفید در مقنعه به هیچ وجه به نقل اقوال و اختلافات نمی‌پردازد، همگی عبارات به صورت فتاوی قاطع بوده و جز در موارد کاملاً استثنائی از احتیاط خبری نیست[۴۶] وی در این کتاب از هیچ فقیه امامی با ذکر اسم مطلبی نقل نمی‌کند تنها در باب حکم خمس در زمان غیبت ـ که مسئله غیر منصوصه است ـ به نقل اقوال مختلف بدون ذکر قائل آنها پرداخته[۴۷] و نیز در باب جزیه به تفصیل به اختلاف اقوال فقهای عامه اشاره کرده است.[۴۸] جز اینها در موارد اندك دیگر نیز با کلمه «قیل» و یا نقل روایت متعارض به احتمال دیگر اشاره نموده است.[۴۹]

۶ ـ در کتاب طهارت بیشتر به ذکر فتاوی پرداخته و از ذکر آیات و روایات خودداری شده است، هر چند الفاظ فتوا در بیشتر موارد به الفاظ نصّ نزدیك است، ولی به صورت ذکر روایت نیست. کتاب صلات با ذکر آیات و روایات آغاز شده و این امر در کتابهای زکات و صیام و حج و کتاب انساب و زیارات ادامه یافته است، این ابواب از ذکر ادلّه و روایات مشحون است، ولی از باب نکاح تا پایان کتاب همچون کتاب طهارت روایت، کم نقل می‌شود.

۶ ـ ذکر دعاهای طولانی و نماز و اعمال مستحبی دیگر و فراوانی روایات در بابهـای نخستین، حجم این بابها را بسیار گسترش داده است. در نتیجه ابواب عبادات و ملحقات آنها دو سوم حجم مقنعه رادربرمی‌گیرد.این حجم لااقل دو برابر حجم متعارف این بابها در سایر کتابها می‌باشد.

۷ ـ مفید در پاره‌ای از فروع فقهی که در نگاه نخست عجیب به نظر می‌رسد با اشاره به ورود روایت خاص از امامان معصوم در این مورد، لزوم عمل به این احکام را گوشزد می‌کند.[۵۰]

....

۴۶ ـ بنگرید مقنعه، ص۲۴۷.

۴۷ ـ مقنعه، ص۲۸۵.

۴۸ ـ مقنعه، ص۲۷۰.

۴۹ ـ به طور نمونه مقنعه، ص۱۵۲، ۴۳۱، ۴۴۲، ۶۸۷.

۵۰ ـ مقنعه، ص۶۰، ۲۳۸، ۲۴۰، ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۶۱، ۳۶۲، و غیر آنها.

۸ ـ مفید گاه به بیان علت حکم چون مشقت و سختی و مخالفت با ملـــوك و لطف الهی و رحمت حضرت حق و مانند آن می‌پردازد[۵۱] که بیشتر برای تقریب ذهن است نه اشاره به مدرك حکم.

مفید گاه روایات متعارضه را ذکر کرده وباتوجه به عدم تناقض در کلام امامان بر لزوم جمع مابین آنها تأکید می‌ورزد، مثلاً با توجه به روایاتی که زکات را تنها در نه چیز واجب می‌داند روایات دیگری را در مورد زکات در سایر حبوبات، حمل بر استحباب اکید می‌کند.[۵۲]

۹ ـ مفید در باب اوقات نماز به تفصیل در باره علائم نجومی وقتهای نماز سخن می‌گوید[۵۳] که آشنایی وی را با این مسائل نشان می‌دهد، در باب اصناف اهل جزیه به طور مشروح به نقل اقوال فقهاء عامّه و استدلال در صحّت و سقم آنها و ذکر طوایف مختلف کافران چون یهود و نصاری و مجوس و صائبیان و مانویه و مزدکیه (= مزدقیه) و دیصانیه و مرقونیه و ماهانیه و کیثونیه و سمنیه و حکم فقهی آنهـا در مسئله جزیه پرداخته است و در مورد آراء اساسی برخی از آنها بویژه صائبیان توضیحاتی داده تا بتواند نظر فقهای عامه را در این مورد پاسخ دهد.[۵۴]

۱۰ ـ در باب مواریث در باره فروع مختلف ارث و شیوه محاسبه و تقسیم میراث بحث شده است[۵۵] البته در کتاب میراث در بسیاری از کتابهای علمای سابق حتی در کتابهای حدیثی، فرعهای مفصلی بجز فروع وارده در آیات و روایات طرح شده است، مثـلاً در کافی از یونس بن عبـدالرحمان و فضل بن شاذان مسائل بسیاری در این باب نقل شده است.[۵۶]

۱۱ ـ مفید پس از شش باب از ابواب عبادات، بابهایی را به عنوان باب

....

۵۱ ـ مقنعه، ص۷۰، ۳۵۷.
۵۲ ـ به طور نمونه مقنعه، ص۲۴۴، ۲۴۸، ۲۶۹، ۲۷۷، ۳۵۲.
۵۳ ـ مقنعه، ص۹۲.
۵۴ ـ مقنعه، ص۲۷۰ ـ ۲۷۲.
۵۵ ـ مقنعه، ص۷۰۶ ـ ۷۱۸.
۵۶ ـ کافی، ج۷، کتاب المواریث.

زیادات گشوده که در آن بیشتر به ذکر روایات و گاه مسائلی که در فصلهای قبل ذکر نشده پرداخته است، در پایان کتاب صیام دو باب زیادات دیده می‌شود،[۵۷] این ابواب می‌بایست از افزوده‌های مؤلف پس از تألیف کتاب بر آن باشد.

۱۲ـ مفید در اثبات حرمت ذبیحه‌های اهل کتاب و ازدواج با زنان ایشان بحث نموده است.[۵۸] این دو بحث کلامی که مفید را به تألیف دو کتاب مستقل نیز واداشته، گرایش کلامی مفید را در مقنعه نیز می‌نمایاند. این گرایش در مباحث دیگری از جمله جواز وصیت به سود وارث[۵۹] نیز مشاهده می‌گردد.

برخی از نکات خاص مقنعه در بخش مستقلی در پایان این قسمت از مقال مطرح خواهند شد.

با عنایت به آنچه گذشت درمی‌یابیم که مقنعه بر خلاف آنچه گاه نوشته می‌شود تنها یك اثر فقه منصوص نیست که به روایات اختصاص داشته و با حذف اسناد آنها تنها به متون روایات اکتفا شده باشد، البته در بسیاری از مباحث بویژه در باب معاملات، الفاظ مقنعه به الفاظ روایات نزدیك است. از سوی دیگر مقنعه تمامی فرعهای ممکن را نیز در بر ندارد و مسائلی که در روایات نیامده در آن اندك است بنابراین، این کتاب فقه تفریعی نبوده بلکه در مجموع، فقه روایی به حساب می‌آید، از این رو عبارت شیخ طوسی در مقدمه مبسوط ـ که در آن کتب فقهی پیش از مبسوط را تنها در دایره فقه روایی و برکنار از تفریعات می‌داند ـ تقریباً در مورد مقنعه نیز می‌تواند صادق باشد.

مقنعه و آثار فقهی متقدم

پیش از کتاب مقنعه کتابهای فقهی بسیاری به دست دانشمندان شهرهای مختلف و به سبك و سیاق گوناگون به رشته تحریر در آمده و پس از این کتاب نیز ادوار مختلفی بر فقه شیعه گذشت. گزارش گویا و پخته‌ای از تاریخ تحول و تکامل فقه

....

۵۷ـ مقنعه، ص۱۹۵، ۲۳۰، ۲۵۳، ۲۷۹، ۳۷۴، ۳۷۸، ۴۴۰.

۵۸ـ مقنعه، ص۵۸۰، ۵۸۱.

۵۹ـ مقنعه، ص۶۷۰.

شیعه توسط جناب حجت الاسلام سید حسین مدرسی طباطبائی در مقدمه زمین در فقه اسلامی و کتابشناسی فقه شیعه ارائه شده که مراجعه بدان سودمند است.

متأسفانه اکنون از بسیاری از آثار متقدّم بر مقنعه مفید خبری در دست نیست و تنها بندهایی از پاره‌ای از آنها در کتابهای دیگر بویژه کتب محقق و علّامه و شهید اول به چشم می‌خورد، از این رو نمی‌توان مقایسه دقیق و همه جانبه‌ای میان مقنعه با آثار متقدّم صورت داد و اثرشان را در این کتاب ردیابی کرد، بدین ترتیب می‌بایست از آثار فقهی دوران حضور امامان و اکثر آثار فقهی عصر غیبت صغری درگذشت، هر چند شواهدی دلالت بر آن دارد که لااقل بیشتر این آثار به شیوه فقه روایی و در قالب کِتاب حدیثی نگارش یافته بودند[۶۰] و بالطبیعه اثری فقهی به معنای کنونی به حساب نمی‌آمدند.

در این عصر و پس از آن فقیهانی صاحب نام می‌زیستند که کم و بیش آراء و انظارشان در کتابهای بعدی مطرح می‌گردد، مناسب می‌نماید که از برخی از آنان یاد شود و نحوه اتّصال مکتب فقهی شیخ مفید با آنها تبیین گردد، در ابتدا باید از شیخ جعفر بن محمد بن قولویه (م۳۶۸) نام برد که شیخ مفید در نزد وی فقه آموخته و مهمترین و شاید تنها استاد فقه وی باشد، در میان آثار وی نام چندین کتاب فقهی دیده می‌شود.[۶۱] که بسیاری از آنها را نجاشی در نزد مفید خوانده است، هیچ یك از این کتابها در دست نیست و در نتیجه نمی‌توان از محتوای آن گزارش داد.

ابن قولویه از فقیهان بزرگی چون کلینی (م۳۲۸ یا ۳۲۹)، علی بن بابویه (م۳۲۸ یا ۳۲۹)، محمد بن حسن بن ولید (م۳۴۳)، ابن ابی عقیل، ابوالفضل محمد بن احمد صابونی جعفی روایت می‌کند[۶۲] و در نتیجه می‌تواند واسطه اتصال مفید با این دانشمندان باشد.

نظرات کلینی در کتاب کافی، و محمد بن حسن بن ولید در کتاب جامع با

---

۶۰ ـ از جمله، این گفته ابو علی طوسی که اولین کسی که اسناد را از متون روایات جدا ساخت علی بن بابویه بود (بحار، ج۱۰۷، ص۳۰).

۶۱ ـ رجال نجاشی، رقم ۳۱۸؛ فهرست شیخ، رقم ۱۳۰.

۶۲ ـ رجال نجاشی، ارقام ۱۰۰، ۱۰۲۲، ۱۰۲۶؛ فهرست شیخ، ارقام ۵۹۱، ۸۷۷، ۸۸۶ و نیز به آثار مفید و کتاب کامل الزیارات، ابن قولویه مراجعه شود.

نقل احادیث صورت می‌گرفته است.

نقش این فقیهان تنها در گزینش روایات مورد فتوا و تنظیم و تبویب آنها می‌باشد، علی بن بابویه نخستین شخصیتی بود که با حذف اسناد روایات، متنی فقهی از متون روایات فراهم آورد،[۶۳] مطالب این کتاب با راه یافتن بندهایی از آن در آثار متأخر چون مقنع و کتاب من لا یحضره الفقیه توانست تا حدودی باقی بماند. گرایش علی بن بابویه ظاهراً همسان گرایش پسرش شیخ صدوق بوده که در فصل بعدی از آن سخن خواهیم گفت، کتاب فقه الرضا نیز که ظاهراً همان کتاب تکلیف شلمغانی است[۶۴] به همین گرایش و مشابه اثر علی بن بابویه می‌باشد.

ابوالفضل صابونی فقیه بلند رتبه و پر اثر شیعی، صاحب کتاب فاخر و کتابهای بسیار دیگر در ابواب مختلف فقه در مصر ساکن بوده و ابن قولویه برخی از کتابهایش را از وی روایت می‌کند، هیچ یك از نجاشی و شیخ در ذکر طرق خود به وی از شیخ مفید نام نبرده‌اند[۶۵] و اصلاً معلوم نیست که کتابهای وی به حوزه بغداد رسیده باشد.

در این طبقه حسن بن علی بن عقیل عمانی فقیه متکلّم نامدار با تألیف کتاب مشهور المتمسك بحبل آل الرسول مهمترین جایگاه فقاهتی را به خود اختصاص داد[۶۶]، بندهایی از این کتاب که در کتابهای بعدی بویژه مختلف علّامه نقل شده، نشانگر استقلال اندیشه و قدرت فقهی وی می‌باشد. اثر فقهی وی شاید نخستین کتاب فقه به شیوه‌ای غیر از فقه روایی باشد. به گفته نجاشی شیخ مفید وی رابسیار می‌ستوده است. نجاشی کتاب کرّ و فرّ ابن ابی عقیل راکه در امامت بوده در نزد مفید خوانده آن را به ملاحت وصف می‌کند، بدرستی معلوم نیست که ستایش مفید از ابن ابی عقیل از شخصیت کلامی وی بوده یا از شخصیت فقهی او،

....

۶۳ ـ بحارالأنوار، ج۱۰۷، ص۳۰.

۶۴ ـ ببینید رساله فصل القضاء فی الکتاب المسمی بفقه الرضا، تألیف مرحوم آیت الله سید حسن صدر، که در ضمن کتاب آشنایی با چند نسخه خطی، قم، ۱۳۹۶ق از صفحه ۳۸۹ تا ۴۴۲ به چاپ رسیده است.

۶۵ ـ رجال نجاشی، رقم ۱۰۲۲؛ فهرست شیخ، رقم ۸۷۷.

۶۶ ـ رجال نجاشی، رقم ۱۰۰؛ فهرست شیخ، رقم ۱۹۳، ۸۸۶.

همچنین معلوم نیست که کتاب المتمسك بحبل آل الرسول تا چه حد در مقنعه اثر گذاشته است، به کار رفتن تعبیر آل‌الرسول و آل‌محمد در پاره‌ای از عبارات مقنعه[۶۷] می‌تواند نشانی از این تأثیر باشد بویژه تعبیر آل‌الرسول که ابن ابی عقیل آن را مکرر به کار برده[۶۸] و از آن در نام کتابش نیز بهره گرفته است.

شیخ مفید علاوه بر ابن قولویه از فقهای دیگر چون شیخ صدوق (م۳۸۱) و محمد بن احمد بن داود (م۳۶۸) نیز روایت می‌کند، ولی معلوم نیست نزد آنها فقه آموخته باشد.

فقیه دیگری که از اساتید شیخ مفید می‌باشد محمد بن احمد بن جنید اسکافی مؤلف دو کتاب مهم تهذیب الشیعة و المختصر الأحمدی للفقه المحمدی می‌باشد، ابن جنید متکلّم برجسته و پر اثر ـ که به همراه ابن ابی عقیل با لقب قدیمین خوانده می‌شود ـ چون همتایش دارای استقلال رأی بوده است، ولی گرایش وی به قیاس[۶۹] و آراء خاص دیگرش شاگرد او را بر علیه او شورانده است؛ شیخ مفید شدیداً بر وی حمله کرده[۷۰] و دو عنوان کتاب بر ضدش تألیف می‌کند[۷۱]، در نتیجه وی نمی‌تواند نقش مهمی در شکل گیری فقه شیخ مفید داشته باشد. به هر حال ممکن است مقنعه یك اثر کاملاً ابتکاری باشد که البته از تأثیر آثار متقدم بویژه آثار ابن قولویه و نیز کتاب ابن ابی عقیل و آثار صدوق نباید بر کنار باشد.

تنها اثر قابل توجه در اینجا رساله‌ای بوده است منسوب به امام هادی(ع) به نام: المقنعه فی ابواب الشریعه که رجاء بن یحیی عبرتایی آن را روایت می‌کند.[۷۲] با توجه به عدم امکان دستیابی به این کتاب، ارتباط مقنعه مفید با آن قابل بررسی

....

۶۷ ـ به طور نمونه مقنعه، ص۲۲۸، ۲۴۰، ۲۴۵، ۳۴۶، ۳۶۲.

۶۸ ـ رسالتان مجموعتان من فتاوی العلمین، ابن بابویه و ابن ابی عقیل به کوشش عبدالرحیم بروجردی و علی پناه‌اشتهاردی، قم، ۱۴۰۶، ص۳۱، ۵۰، ۶۲، ۶۷، ۶۸، ۸۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۸ و نیز ر.ك: ص۲۳، ۱۲۳.

۶۹ ـ فهرست شیخ طوسی، رقم ۵۹۰؛ رجال نجاشی، رقم ۱۰۴۷.

۷۰ ـ المسائل الصاغانیة، ص۱۷ ـ ۲۲.

۷۱ ـ یکی به نام (نقض) رسالة الجنیدی الی اهل مصر و دیگری با نام «النقض علی ابن الجنید فی اجتهاد الرأی» که اتحاد آن دو محتمل است. رجال نجاشی رقم ۱۰۶۷.

۷۲ ـ رجال نجاشی، رقم ۴۳۹.

نیست. همچنین با فقدان اکثر آثار متقدم بر مقنعه مفید، بیش از این نمی‌توان در این باره سخن گفت.

نمایاندن جایگاه مقنعه در میان آثار موجود متقدم و متأخر فقهی بویژه دو کتاب مقنع صدوق و نهایه شیخ طوسی در عهده بخش بعدی قرار دارد.

جایگاه مقنعه در میان متون فقهی موجود

۱ ـ از آثار فقهی پیش از عصر مفید تنها کتاب مقنع صدوق در برگیرنده تمام ابواب فقه بوده و نسخه آن اکنون در دست می‌باشد. پس از شیخ مفید ـ حتّی از سید مرتضی ـ یك متن کامل فقهی به سبك مقنعه سراغ نداریم. البته کتاب انتصار در برگیرنده تمام ابواب فقه می‌باشد ولی نه در تمامی مسائل، بلکه فقط در مسائلی که امامیه بدان منفرد بوده و یا گمان انفرادشان در کار بوده است. **جمل العلم و العمل** سید مرتضی نیز با وجود مشابهت‌هایش با مقنعه یك دوره کامل فقهی نیست. پس از سید مرتضی نهایهٔ شیخ طوسی با سبك و سیاق مقنعه در تمام ابواب فقه تألیف شده است. وجود مشابهت بین مقنع و مقنعه و نهایة ما را بر آن داشت که در این بخش محور بحث را، این سه کتاب قرار داده، جایگاه مقنعه را در این میان باز شناسیم. در ضمن بحث به صورت اشاره به سایر کتابها نیز خواهیم پرداخت.

۲ ـ این سه کتاب به یك معنی فقه منصوص بوده و فقه تفریعی به حساب نمی‌آیند، هر چند در مقنعه و نهایه در حد محدودی مسائل تفریعی دیده می‌شود، ولی قالب کلی این دو کتاب نیز همان فقه روایی است. در هر سه کتاب، ابواب عبادات در آغاز و ابواب معاملات و احکام در پایان قرار گرفته، در شیوه تنظیم بابها شباهت فراوانی بین آنها دیده می‌شود ولی این سه کتاب هر یك دارای سبك و اسلوب مختص به خود می‌باشد.

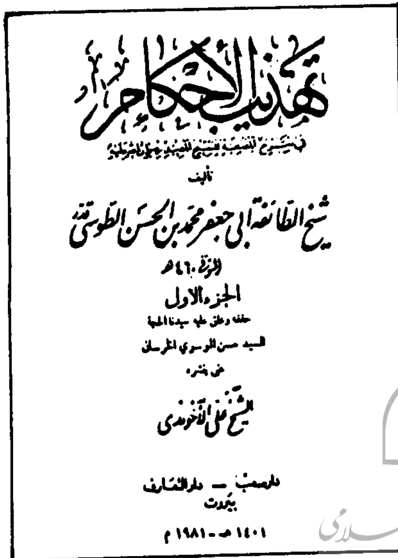
۳ ـ مقنع صدوق را می‌توان یك متن حدیثی فقهی تمام عیار دانست که فتاوی در آن به عین الفاظ روایات یا نقل به معنای آن و گاه با نقل خود روایت صورت می‌گیرد، عبارات صدوق در مقدمه کتاب نیز به این امر اشارت دارد.[۷۳] از این رو

....

۷۳ ـ عبارت مقدمه مقنع پس از خطبه کتاب چنین است: قال محمّد بن علی: ثم اِنّی صنفت کتابی هذا وسمّیته ←

عبارات مقنع در کتب حدیثی بسان روایت نقل می‌شود، البته صدوق در این کتاب تغییرات کمی در متن روایات چون: تبدیل صیغه غائب به مخاطب، یکنواخت کردن تعابیر، تنظیم و ترتیب آنها و مانند آن انجام داده که از محدوده نقل به معنی، فراتر نمی‌رود، در مقنع بحثهای غیر فقهی چون ثواب برخی از کارهای مستحبی (ص۹۴) نیز دیده می‌شود.

در مقنعه، فقه از حدیث امتیاز پیدا کرده، هر چند بیشتر مسائل طرح شده از روایات بر گرفته شده، ولی تمامی عبارات، الفاظ احادیث نیست و تفریعات در آن حدّ محدودی راه یافته است. این کتاب در واقع مجموعه‌ای است از فتاوی فقهی و استدلالات کوتاه آن و فقه القرآن و روایات فقهی و دعاء و زیارات و تاریخ ولادت و وفات امامان معصوم، و در این کتاب فقه به معنای کنونیش از سایر گونه‌های معارف دینی تمایز کامل نیافته است.


تهذيب الأحكام

في شرح المقنعة للشيخ المفيد

تأليف

شيخ الطائفة أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي

المتوفى ٤٦٠ هـ

الجزء الاول

حققه وعلق عليه سيدنا الحجة

السيد حسن الموسوي الخرسان

عني بنشره

الشيخ علي الآخوندي

دار صعب — دار التعارف

بيروت

١٤٠١ هـ - ١٩٨١ م

شیخ طوسی معارف گوناگون طرح شده در مقنعه را تفکیک کرده هر دسته را به کتاب خاصی انتقال داده و کتاب نهایه را تنها در فتاوی تألیف کرده است وصف یاعنوان این کتاب[74] در فهرست شیخ نیز بر این معنی ناظر است: النهایه فی مجرّد الفقه و الفتاوی.

۴ ـ مقنع صدوق از ترتیب چندان جالبی برخوردار نیست و باب بندی آن

.... →

کتاب المقنع لقنوع من یقرئه بما فیه، و حذفت الاسناد منه لئلّا یثقل حمله و لا یصعب حذفه، و لا یملّه قاریه اذ کان ما ابنیه فیه فی الکتب الاصولیة موجوداً مبیناً علی المشائخ العلماء الفقهاء الثقات.

۷۴ ـ عبارت (فی مجرد الفقه و الفتاوی) پس از ذکر نهایه در فهرست شیخ رقم ۶۹۹ می‌تواند به عنوان تفسیر نام کتاب بوده مانند کتاب المفصح فی الإمامة، کتاب المبسوط فی الفقه. بنابراین نام کتاب نهایه خواهد بود، و محتمل است این عبارت جزئی از نام کتاب باشد ولی احتمال نخست نزدیکتر می‌نماید.

اندك بوده و بویژه در بابهای غیر عبادات تنها به عناوین کلی مانند باب الوصایا اکتفا شده و باب بندی ریزتری انجام نگرفته است، تعابیر روایات گاه بخوبی از قالب حدیثی خود خارج نشده و در نتیجه تعبیرات نامطلوبی در کتاب دیده می‌شود.[۷۵]

مقنعه از نظر ترتیب در مجموع بهتر و با اشتمال بر باب بندی منظمتر و جزئی‌تر، نظم و انسجام بهتری به خود گرفته است، ولی این کتاب هنوز ترتیب و تبویب چندان منطقی نیافته است، در آن عبارتهای مکرّر و طولانی دیده می‌شود.

شیخ طوسی با تألیف نهایه با به کار گیری الفاظ کوتاه و پخته و با ترتیب منطقی‌تر و پرهیز از تکرارهای فراوان، متن منسجم‌تری را ارائه می‌دهد. شیخ به همین انگیزه مسائل را در قالبهای کلی‌تری ریخت. ایجاز گویی نهایه باعث شد که این کتاب به نسبت فروع بیشتری که دارد از مقنعه پر برگتر نگردد.

۵ـ تعداد ابواب این سه کتاب متفاوت است. در مقنع در مجموع ۱۰۱ باب دیده می‌شود که تنها کمی بیش از یك چهارم آن یعنی ۲۷ باب آن از ابواب غیر عبادی است. مقنعه ۳۵۱ باب دارد که ۷ باب آن به اصول عقائد و ۴۹ باب آن در انساب و زیارات است، در نتیجه بابهای فقهی آن ۲۹۴ باب می‌باشد که برخی از آنها به فصول فرعی‌تری نیز انقسام می‌یابد از این تعداد کمتر از نیمی از آن یعنی ۱۵۱ باب آن به ابواب غیر عبادی اختصاص دارد. کتاب نهایه شیخ ۲۱۴ باب بوده که بیش از نیمی از آن یعنی ۱۲۹ باب آن، در معاملات می‌باشد. بدین ترتیب بتدریج معاملات در این سه کتاب عنوانهای بیشتری را به خود اختصاص داده و بابهای بیشتری راشامل می‌شود.

تفاوتهای این سه کتاب در شیوه و روش و چگونگی بابها و ترتیب آنها و تقسیم بندی کلی فقه و ابواب آن بسیار است که پرداختن به تمام جزئیات آن سخن

....

۷۵ ـ مثلاً در مقنع، ص۱۶۴ می‌خوانیم: فان اوصی بربع ماله فهو احبّ اِلیّ من ان یوصی بالثلث، این تعبیر قسمتی از روایت از معصوم(ع) بوده و گوینده (فهو احبّ اِلیّ) امام معصوم است، به کارگیری این عبارت در مقنع بدون تغییر لازم، صحیح نیست. عبارت مقنعه ص۶۶۹ در اینجا مناسب است: الوصیة بالربع عند آل محمد احبّ الیهم من الوصیة بالثلث.

را به درازا می‌کشاند.

بدین ترتیب می‌توان مقنعه مفید را در تکامل مقنع صدوق در نگارش فقه روایی دانست. این سیر تکاملی با تألیف کتاب نهایه به پایان می‌رسد.

۶ـ بخش فقهی **جمل العلم و العمل** سید مرتضی در این میان هر چند یك دوره کامل فقه نیست، ولی در همان سبك فقه روایی با استقلال بیشتری از حدیث تألیف شده است. نظم و ترتیب این کتاب از مقنعه بهتر می‌نماید و البته جا پای مقنعه در زوایای مختلف این کتاب به چشم می‌خورد، میزان فروع **جمل العلم و العمل** هرگز در حد نهایه شیخ نیست. تلاش شیخ طوسی در پیشبرد فقه با تألیف نهایه به فرجام نرسید، وی با تألیف آثار موجز و استوار به پختگی بیشتر فقه یاری رسانید، نمونه یك متن منقّح و موجز و در عین حال گویا و با ترتیبی منسجم و تقسیم بندی منطقی و استفاده از ارقام و به اصطلاح با بهره‌گیری از روش کلاسیك، **جمل العقود** شیخ طوسی است، شیخ به جز تألیف کتاب **مسائل الخلاف** در فقه تطبیقی، با تألیف **مبسوط** فقه شیعی را با تفریعات فراوان آشنا ساخت، وی در این کتاب با اخذ عناصر زنده و مسائل بسیاری از فقه اهل سنت واستخراج حکم آنها از منابع اصیل قرآن و عترت، بدون استفاده از قیاس و استحسان، توانایی مصادر فقه شیعه را در استنباط احکام به اثبات رساند. عناصر جدید در مبسوط گاه بخوبی حل نشده و در نتیجه در این کتاب به نوعی آشفتگی بر می‌خوریم،این‌آشفتگی‌در تألیف جاودان محقّق حلی، **شرایع الأحکام** حل شده،[۷۶] محقق پس از تألیف شرایع گزیده‌ای از آن را به نام **مختصر نافع** تألیف کرد که در پیراستگی و انسجام و پختگی در میان متون فقهی بی‌مانند است.

به هر حال بررسی کامل سیر فقه پس از مقنعه مفید در این مختصر نمی‌گنجد. تنها در اینجا اشاره می‌کنیم که آثار متأخر ازمقنعه چون آثار مرتضی و مفید و مراسم سلّار و مهذّب و شرح جمل ابن برّاج هیچ یك از تأثیر این کتاب به گونه مستقیم یا غیر مستقیم بر کنار نبوده‌اند، تنها اثر کاملاً مستقل در این دوره

....

۷۶ ـ ببینید زمین در فقه اسلامی، سید حسین مدرسی طباطبائی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ش، ج۱، ص۶۲.

کتاب کافی ابو صلاح حلبی است.

۷ـ برخی تحولات تدریجی در متون فقهی این دوره دیده می‌شود که شایان تأمل است. در مقنعه ذکر اختلاف فتاوی اصلاً دیده نمی‌شود و تنها گاه روایات متعارضی ذکر شده و چگونگی برخورد با آنهابیان گردیده است. در مقنعه ذکر اختلاف اقوال در حدّ کمی دیده می‌شود، فتاوی همگی به صورت جازم و جز در موارد کاملاً نادر، از احتیاط خبری‌نیست. ذکر احتیاط در نهایه بسیار بیشتر می‌گردد.[۷۷] و نقل اختلاف آراء افزون می‌شود، ولی در هیچ یك از این کتابها به صراحت نام دانشمندان گذشته برده نشده و نظرات ویژه آنها طرح نشده است. محقق حلّی در آثار خود به صراحت نام دانشمندان گذشته را برده‌و به آراء خاص آنها اشاره می‌کند، وی از تعابیر غیر جزمی متنوعی چون اقوی، اشبه، احوط، اظهر، بسیار بهره گرفته و به نقل اقوال علما با تصریح به نام آنها می‌پردازد، بدین ترتیب فقه بتدریج از چهره کاملاً جزمی خود در مقنع، به چهرهٔ توأم با تردید و احتیاط در کتب محقق حلّی رسیده است.

البته از نظر نباید دور داشت که اختلاف نظر علما در اعصار متقدم بر محقق حلّی نیز هر چند در سطح محدودتر وجود داشته، ولی در آثاری چون مقنع و مقنعه این اختلافات نقل نمی‌شده است. علت این امر بخصوص در مورد شیخ مفید می‌تواند از عدم اعتماد وی بر دلائل ظنی و التزام او به قطع و یقین در احکام شرعی سرچشمه گرفته باشد.

۸ـ در اینجا تذکر یك نکتهٔ مهم ضروری است و آن اینکه با وجود گرایشهای حدیثی شیخ صدوق و تفکرات کلامی شیخ مفید، تفاوت فتاوی فقهی آنها زیاد نیست و اصولاً در این دو کتاب به دو گونه فتاوی بر نمی‌خوریم، فتاوی شیخ صدوق اگر از فتاوی سید مرتضی به فتاوی شیخ مفید نزدیکتر نباشد دورتر نیست، با وجود اینکه سید مرتضی نیز بسان شیخ مفید متکلّمی برجسته و با گرایشهای عقلی محض می‌باشد، گویا اختلافات روش شیخ صدوق و شیخ مفید بیشتر در

....

۷۷ ـ مثلاً ببینید النهایة و نکتها، شیخ طوسی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۰، ج۱، ص۲۰۴، ۲۴۲، ۲۴۷، ۲۷۹، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۹۲، ۲۹۳.

زمینه معارف عقلی و مباحث کلامی و عقیدتی که متکلّمان در آن بیشتر به عقل و اندیشه تکیه می‌ورزند تا روایات، عرصه جولان یافته است، ولی تکیه گاه متکلّمان و اهل حدیث در فقه، آیات و احادیث است که در نحوهٔ گزینش روایات نیز تفاوت چندانی بین دو روش به چشم نمی‌خورد.

۹ ـ در پایان این بخش متذکر می‌شویم که مقنعه در عصر خود از احترام و اعتبـار، برخوردار بود. امری که شیخ طوسی را در حیات شیخ مفید به نگارش شرحی بر مبنای آن واداشت، ولی با تألیف نهایه، این کتاب محور تدریس فقه قرار گرفت درحالی که کتاب مقنعه هنوز در برخی موارد تدریس می‌شد.

سید محیی الدین بن زهره آن را از چند طریق از مفید نقل می‌کند در یکی از آنها شیخ طوسی و ابویعلی جعفری و شیخ ابو (عبدالله) جعفر دوریستی را وی ازمفید می‌باشد، سید محیی الدین بن زهره مجلد اول و بیشتر مجلد ثانی از رساله مقنعه را در سال ۵۸۴ در حالی که هنوز به سن بیست سالگی نرسیده بود در نزد عمویش سید ابوالمکارم حمزة بن زهره صاحب کتاب غنیه که هفتاد و چند سال داشت آموخت. ابن زهره ـ و نیز محمد بن جعفر مشهدی ـ تمام آن را پیش از بیست سالگی در نزد ابو منصور محمد بن حسن بن منصور نقاش موصلی که سن زیادی داشت خوانده بود، وی نیز آن را در اوائل عمر خود در نزد شریف نقیب ابوالوفاء محمدی موصلی که عمر زیادی داشت در موصل آموخت و او نیز آن را در اول عمر خود در نزد مفید خوانده بود.[۷۸] از این نقل بر می‌آید که مقنعه لااقل در دو جلد بوده است.

مقنعه و تهذیب الأحکام

شیخ طوسی در پاسخ درخواست یکی از دوستانش در مورد اخبار متعارض و لزوم برخورد منطقی با آن به تألیف تهذیب الأحکام بر مبنای کتاب مقنعه و با انگیزه کلامی همت گماشت.[۷۹] وی در آغاز بر آن بود که از قسمت فقهی مقنعه شروع کرده و هر مسئله را طرح نموده و براهین و استدلالهای کامل در مورد آن را ذکر و

....

۷۸ ـ بحارالأنوار، ج۱۰۷، ص۱۵۵.

۷۹ ـ تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، دار الکتاب الاسلامیة، نجف، ۱۳۷۷، ج۱، ص۲.

اشکالات را پاسخ گوید و جمله‌ای از روایات عامه رانیز آورده و در مورد روایات متعارض در اخبار شیعی و شیوه سازگارسازی آنها با هم سخن گوید. این روش هر چند تمامی اخبار فقهی را در بر نمی‌گرفته است، ولی شیخ، تصمیم داشته که پس از شرح مقنعه به تألیف کتاب دیگری بپردازد که تمامی یا اکثر روایات شیعی را در برگیرد.

بدین ترتیب تهذیب الأحکام در آغاز تنها شرح مقنعه ولی به صورت کامل بوده، و در اکثر کتاب طهارة از این روش پیروی نموده است، ولی این شیوه، کتاب را بسیار مبسوط نموده و آن را از غرض اصلیش که ذکر اخبار ناسازگار و کوشش در راه توافق آفـریدن بین آنها بوده دور می‌ساخت، و کتاب در برگیرنده تمامی روایات فقهی نیز نمی‌شد، از سوی دیگر شیخ ناچار بوده است که برای تمامی فروع مذکور در مقنعه دلیلی ذکر کند که در پاره‌ای موارد دلیل آن روایت خاص نبوده، بلکه گفتار مشایخ و عمل طایفه مبنای فتوا بوده است.[۸۰]

بنابراین، کتاب از صورت کتاب حدیثی خارج می‌شده است. از این رو شیخ از این روش عدول نموده، تنها به ذکر روایات ولی به نحو کامل می‌پردازد.[۸۱] بدین ترتیب کتاب دیگری که شیخ در ابتدا در نظر داشته تألیف کند در ضمن همین کتاب تهذیب نگاشته شده است.

شیخ پـس از تغـیـیـر روش خـود، در بابهـای نخستیـن، روایاتـی را که در شرح مقـنـعه نـیـاورده، در ابـواب زیـادات ذکـــر کـرده اسـت. طبعاً این ابواب، غیر از بابهای زیاداتی است که در اصل مقنعه وجود داشته است.

تغییر روش تألیف تهذیب سبب گردیده که کتاب طهارت که در زمان حیات شیخ مفید تألیف شده و بیشتر آن با روش نخست نگاشته شده، نسبت به سایر کتابها از حجم بیشتری برخوردار گردد و حدود یك هشتم کل تهذیب را شامل شود، در حالی که همین کتاب در مقنعه حدود یك شانزدهم کل کتاب یعنی نصف مقدار

....

۸۰ ـ تهذیب، ج۱، ص۲۹۰ ـ ۲۹۴.
۸۱ ـ تهذیب، ج۱۰؛ مشیخه، ص۴.

آن را در تهذیب تشکیل می‌دهد.

در شیوه دوم، شیخ طوسی مقیّد به ذکر تمام مسائل مقنعه نبوده و از این رو در بسیاری از موارد تنها از ترتیب مقنعه پیروی شده است. وی خود در پاره‌ای موارد بویژه در کتاب حج، مسائل بسیاری را عنوان کرده و روایات مربوط بدان را ذکر نموده است.

هدف شیخ طوسی در نگارش تهذیب سبب گردیده که وی تنها به نقل فتاوی مفید نظر داشته و استدلالهای مفید را ذکر نکند و تنها گاه به اختصار و احیاناً با تصرفاتی که لازم می‌دانسته استدلالات وی را بدون نسبت دادن به وی ذکر کند.[۸۲]

روایات فراوان مذکور در مقنعه، در تهذیب با سند کامل و به طور مشروح آمده ولی نه به گونهٔ شرح عبارات مقنعه.

شیخ طوسی د رباره دعاها و تسبیحات و مانند آن نیز در بسیاری از موارد به وجود آن در مقنعه اکتفا کرده، خود بابی در این مورد نمی‌گشاید. برخی از بابهای غیر روایی مقنعه نیز چون دو باب آخر مواریث، و ذکر اختلافات اقوال در مورد جزیه و بیان مذاهب مختلف کفّار و مانند آن در تهذیب حذف گردیده است.[۸۳] با توجه به این امور، تهذیب را می‌توان در مجموع، شرح آزاد بر خصوص فتاوی مقنعه دانست. البته این امر در مورد اکثرکتابهای‌تهذیب صادق است، ولی چند کتاب تهذیب و پاره‌ای از بابهای دیگر آن وضعی کاملاً متفاوت دارند.[۸۴]

در کتاب انساب و زیارات بابهای جدیدی چون باب تحریم مدینه، باب فضل کوفه، باب فضل الغسل للزّیارة، باب وداع الشهداء، باب وداع العباس، باب حدّ حرم الحسین گشوده شده، کتاب جهاد و سیره امام از جلد ششم تهذیب تا پایان این جلد کاملاً از شرح مقنعه دور افتاده است. ترتیب کتابها در جلدهای بعدی نیز تفاوت می‌یابد و در بسیاری موارد عبارت مقنعه اصلاً ذکر نمی‌گردد، ولی

....

۸۲ ـ مثلاً ببینید تهذیب، ج۳، ص۹۰، ۱۱۳ و مقایسه کنید با مقنعه، ص۲۵۲، ۲۶۹.

۸۳ ـ وی در این مورد می‌گوید: فلیس بنا حاجة الی شرحها اذ الغرض بهذا الکتاب غیر شرح ما یجری مجراه، تهذیب، ج۴، ص۱۱۴.

۸۴ ـ مثل باب صلاة الخوف و صلاة المطارده در ج سوم تهذیب.

ترتیب بابها در بیشتر موارد محفوظ بوده، و تفاوتها جزئی است.

بنابراین تهذیب تنها شرحی بر مقنعه نیست و خود از جنبه‌های استقلالی فراوان برخوردار است ولی چهره کلی آن همان شرح مقنعه است بویژه در جلد نخست که کاملاً شرح مقنعه می‌باشد.

با عنایت به این نکته، تهذیب ـ بخصوص جلد اول ـ آن می‌توانست منبع خوبی برای تصحیح کتاب مقنعه قرار گیرد که متأسفانه بدان توجه نشده است.

در اینجا ما در صدد بحث از چاپهای مختلف مقنعه و بررسی چاپ جدید آن توسط انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیستیم، تنها اشاره می‌کنیم در این تصحیح جدید مبنا قرار دادن اکثریت نسخ ـ آن هم اکثریت در تعداد و نه در اعتبار و ارزش ـ به جای نسخهٔ صحیحتر، سبب شده که عبارتهای صحیح بسیاری در حاشیه قرارگیردو ناهماهنگی فراوانی درعبارات متن به وجود آید.

نکاتی چند در مقنعه

۱ ـ در باب نفاس مقنعه ص۵۷ این عبارات را می‌خوانیم «و اکثر ایّام النفاس ثمانیة عشر یوماً و قد جائت اخبار معتمدة بانّ انقضاء مدّة النفاس مدّة الحیض و هو عشرة ایّام و علیه اعمل لوضوحه عندي».

صدر و ذیل این عبارت با هم ناسازگار می‌نماید، چه اگر مفید اکثر حد نفاس را ده روز می‌داند چرا در آغاز به شکل فتوا اکثر حد نفاس را ۱۸ روز ذکر کرده است؟ مانند این ناسازگاری در کتاب نکاح مقنعه ص۵۲۲ در همین مسئله دیده می‌شود.

نظیر این اشکال در برخی از کتابهای محقّق‌وعلّامه نیز دیده می‌شود، در آنجا محقّق تستری در مقدمه مقابس الأنوار به طرح و حل اشکال پرداخته می‌گوید: محقّق و علّامه نخست فتاوی شیخ طوسی را بدون نسبت دادن به او ذکر می‌کنند، سپس عبارتی را که بر تردّد یا مخالفت با آن فتوا دلالت دارد، می‌آورند. در نتیجه گمان تنافی می‌رود ولی راه حل آن همانی است که گفته شد.[۸۵]

....

۸۵ ـ مقابس الأنوار، تهران، ۱۳۲۲، ص۵.

گویا فتاوی شیخ طوسی نمایندهٔ فقه رسمی شیعه به شمار می‌رفته و نیازی به نسبت دادن آنها به شیخ نبوده است. بنابراین متن اصلی فقه شیعه را نظرات شیخ طوسی تشکیل می‌داده و نظرات محقّق و علاّمه تنها به عنوان حاشیه مطرح بوده است.

همچنین نظیر این مشکل در کتاب مبسوط شیخ نیز دیده می‌شود. منشأ این امر در کتاب مبسوط، ظاهراً آن است که فروع مبسوط در اصل از کتابهای عامّه برگرفته‌شده،و این‌عناصرتازه بخوبی‌در این کتاب جا نیفتاده و در نتیجه برخی از عبارات متناقض نما گردیده‌اند.[۸۶]

۲ ـ اما علت این امر در کتاب مقنعه چیست؟ آیا می‌توان نظیر راه حل کتب علاّمه و محقّق و مبسوط را در اینجا طرح کرده بگوییم: مقنعه در اصل از کتاب دیگری گرفته شده است؟ در صورت درستی این احتمال آن کتاب کدام است؟

ولی با توجه به نامشخص بودن کتابی که مقنعه بنابراین احتمال، بر پایه آن قرار دارد و با عنایت به اینکه مشکل تا آنجا که جستجو شد، تنها در بارهٔ مسئله حداکثر حدّ نفاس وجود دارد، می‌بایست برای این مشکل راه حل دیگری جستجو کرد.

به نظر می‌رسد که فتوای مفید نخست همان هیجده روز بوده، سپس وی از این نظر بازگشته و چون نخواسته در عبارت اصلی تصرفی کند نظر نهایی خود را به این صورت در هر دو جا به متن کتاب افزوده است، بلکه حتی محتمل است این نظریه در حاشیه نوشته شده و بعداً داخل متن شده باشد. تشویش بسیار عبارت مقنعه در باب طهارة و پس و پیش شدن عبارات آنها ـ چنانچه از تهذیب بر می‌آید ـ[۸۷] این احتمال را تقویت می‌کند.

۳ ـ شیخ مفید در مقنعه روایات را به صورت مرسل ذکر می‌کند. وی تنها به نام معصوم و گاه همراه با نام راوی آخر اکتفا می‌کند. در این موارد گاه اختلالاتی

....

۸۶ ـ زمین در فقه اسلامی، ج۱، ص۵۹.

۸۷ ـ تهذیب، ج۱، ص۱۷۴.

نیز مشاهده می‌شود از جمله در ص۲۶۰: قال قلت لأبی جعفر(ع) و ص۲۶۱: قال سألت ابالحسن(ع)، ضمیر در این دو سند ممکن است به عبدالکریم بن عتبه هاشمی باز گردانیده شود، ولی با مراجعه به تهذیب ج۴، ص۱۰۳ ـ ۱۰۴ روشن می‌شود که مرجع ضمیر، راویِ روایت می‌باشد که در سند نخست، ابو بصیر و در سند دوم، عبدالرحمان بن الحجاج می‌باشد. نظیر این اشکال در ص۲۶۳ و ۲۶۸ نیز دیده می‌شود. در نتیجه در بهره‌گیری از احادیث مقنعه باید دقت نمود و از اینگونه اختلالات غفلت نورزید و حتماً به سایر مصادر حدیثی هم مراجعه کرد.

۴ ـ از لابلای مقنعه برخی از آراء اصولی مفید نیز به دست می‌آید. ما در اینجا تنها به ذکر سه نمونه اکتفا نموده، عین عبارت وی را نیز نقل می‌کنیم:

أ ـ مفید در اخبار متعارض، قائل به لزوم ترجیح به وسیله مرجّحات نیست. وی روایتی را که هم شهرت روایی و هم شهرت فتوایی دارد بر روایت مقابل به گونه لزومی ترجیح نمی‌دهد، بلکه ترجیح را مستحب می‌داند. عبارت مفید چنین است:

و قد روی حدیث في جواز التطّوع في السفر بالصیام و جاءت اخبار بکراهیة ذلك و اَنّه لیس من البّر الصوم في السفر و هي اکثر و علیها العمل عند فقهاء العصابة فمن اخذ بالحدیث لم یأثم اذا کان اخذه من جهة الاتّباع و من عمل علی اکثر الروایات و اعتمد علی المشهور منها في اجتناب الصیام في السفر علی کل وجه ـ سوي ما عدّدناه ـ کان اولی بالحق و الله الموفق للصواب.[88]

ب ـ شیخ مفید در بحث استخارات پس از ذکر نماز و دعاءاستخاره، از استخاره ذُات الرقاع یاد کرده می‌گوید: قال الشیخ: و هذه الروایة شاذة، لیست کالّذي تقدّم، لکنّا اوردناها للرخصة دون تحقیق العمل بها.[89]

گویا عبارت مفید ناظر به تسامح در ادلّه مستحبات است و چون مسئله استخاره ـ با کمی تسامح ـ داخل در باب مستحبات است. از روایات «من بلغ» می‌توان جواز استخاره ذات الرقاع را نیز استفاده کرد.

....

۸۸ ـ مقنعه، ص۳۵۰.

۸۹ ـ مقنعه، ص۲۱۹.

ج ـ مفید با عرضه کردن روایات بر قرآن، آنها را نقد و بررسی می‌کند و با توجه به کتاب خدا، روایات ناسازگار با آن را رد می‌کند. وی در باب «الوصية للوارث» پس از ذکر آیه‌ای از قرآن بر صحّت این گونه وصیت، می‌نویسد: و قد روي عن النبی صلّی الله علیه و آله أنّه قال: **لاوصيّة لوارثٍ و هذا حديث باطل مصنوع، لم يثبت، عند نقّاد الأثر، و كتاب الله اولی من الحديث و الحكم به علی الأخبار اولی من الحكم بالأخبار عليه.**[90]

د ـ پایان کتاب مقنعه بابی است با این عنوان: باب مختصر رسوم کتب الوصايا و الوقوف و العتق و التدبير و المكاتبه و الخلع و الطلاق والديون و الحقوق و البراعات و الشركة و اللإجارات و المزارعات و المساقاة و الضمانات و الوكالات و المعاملات.

در این باب، مفید در باره هر یك از عناوین فوق، متنی کلی تهیه کرده که در برخی از جاهای آن از کلمه فلان و یا کذا بهره گرفته که می‌بایست به وسیله استفاده کننده با عبارت مناسب جایگزین شود. وی در ضمن فصل یا فصول دیگری حالات استثنایی و ویژه را تذکر می‌دهد.

تهیهٔ این گونه متون که برای سهولت کار مردمان و شبیه فرمهایی است که در ادارات کنونی مرسوم است، نشانگر پیشرفت و گسترش مرجعیّت شیخ مفید است. امری که وی را وامی‌داشت که به جای پرداختن به صورتهای جزئی به تهیه متونی کلی دست یازد. برای نگارنده فرصت دست نداده که در باره سابقه این گونه متون، تحقیق کافی در کتب فقهی مذاهب مختلف انجام دهد، ولی در کتب فقهی شیعی نظیر این متنها را قبل از مقنعه سراغ نداریم.

در اینجا بحث از مقنعه را پایان می‌دهیم. هر چند برخی از بحثهای مهم دیگر چون آراء اختصاصی مفید در فقه، باقی ماند که نیازمند تتبّع و جستجوی زیادی است.

....

۹۰ ـ مقنعه، ص ۶۷۰.